

«هفت صبح» تاثیر خشکی تالاب گاوخونی در جنوب شرق اصفهان بر زندگی مردم را بررسی می کند

تالاب خشکیده، سفیر مرگ شد

برای نجات گاوخونی باید ۳۲ هزار هکتار از اراضی کم بهره‌ور و غیر راهبردی بالای بند چم آسمان را به‌صورت داوطلبانه آزاد کرد

صفحه ۴



زنگنه شجاعی

صادرکنندگانی که ارز خود را به کشور نیاوردند خواستار بستن پرونده‌ها با پرداخت معادل ریالی هستند

لابی اتاق برای متخلفان ارزی

در دیدار اعضای اتاق بازرگانی با رئیس جمهور، یکی از مهم‌ترین درخواست‌ها، تسویه ریالی تعهدات ارزی صادرکنندگان متخلف بود

در دیدار اخیر اعضای اتاق بازرگانی ایران با رئیس جمهور، فهرست بلندبالایی از دغدغه‌ها روی میز قرار گرفت. از مشکلات بنادر و گمرک گرفته تا بحران انرژی، مالیات و بوروکراسی نفسگیر. اما در میان تمام گلابه‌ها و وعده‌ها، یک موضوع خاص بیش از بقیه در گوش‌ها ماند: درخواست برای تمدید مهلت «تسویه ریالی تعهدات ارزی صادرکنندگان»...

همین صفحه

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس پس از توقف نماد ایران خودرو، نحوه تعیین قیمت‌های جدید خودرو را بررسی می کند

تثبیت انحصار به نام خصوصی سازی

خصوصی سازی ایران خودرو به جای رقابتی سازی به ابزاری برای حذف نظارت و افزایش قیمت‌ها تبدیل شده است

صفحه ۲

در زادروز بهمن علاءالدین، نگاهی دوباره به صدای ایل

آوای راستین کوه و دشت

مسعود بختیاری با صدای خود، فرهنگ بختیاری را از حاشیه به متن موسیقی ملی آورد

صفحه ۵

گفت‌وگو با هنگامه معمری، نقاش و گالری دار

دیوارهای سفید رویاهای رنگی

صفحه ۵



نگرانی والدین و معلمان از تغییر ارزش‌های تربیتی و نفوذ فضای مجازی در رفتار دانش آموزان

معلم‌ها حریف موبایل نمی شوند

سامان مردانی، جامعه‌شناس: حدود ۶۰ درصد از دانش آموزان در معرض الفاظ رکیک از طریق همسالان خود در مدرسه قرار گرفته‌اند

صفحه ۶

به مناسبت درگذشت امین‌الله رشیدی

خنیاکر مهربانی‌ها و دل‌تنگی‌ها

هنرمندی که باور داشت: «با کودک درونت مهربان باش تا زندگی آواز شود»

صفحه ۸

پیشنهاد فرشاد پیوس به امیر قلعه‌نویی برای استفاده از زوج مهدی طارمی و علی علویور در ترکیب هجومی تیم ملی

نسخه تهاجمی برای تیم ملی

صفحه ۷



گزارش

صادر کنند گانی که ارز خود را بازنگر داده‌اند خواستار بستن پرونده‌ها با پرداخت معادل ریالی هستند

لابی اتاق برای متخلفان ارزی

مهدی خاکی فیروز  
هفت صبح

در دیدار اخیر اعضای اتاق بازرگانی ایران با رئیس جمهور، فهرست بلندبالایی از دغدغه‌ها روی میز قرار گرفت. از مشکلات بنادر و گمرک گرفته تا بحران انرژی، مالیات و بوروکراسی نفسگیر. اما در میان تمام گلابه‌ها و وعده‌ها، یک موضوع خاص بیش از بقیه در گوش‌ها ماند: درخواست برای تمدید مهلت «تسویه ریالی تعهدات ارزی صادرکنندگان». همان پیشنهادی که به زبانی ساده یعنی «کسانی که ارز صادراتی را به کشور برنگردانده‌اند، بتوانند به جای پایان شهرپور، تا پایان آذرماه ۱۴۰۴ با پرداخت معادل ریالی، پرونده‌شان را ببندند.» پیشنهادی که قبلاً هم از سوی برخی اعضای هیئت‌رئیس‌ه اتاق به‌ویژه عبدالله مهاجر دارابی به بانک مرکزی اعلام شده بود.

این پیشنهاد در ظاهر به نیت تسهیل تجارت مطرح شده است. صادرکنندگان پرونده‌دار می‌گویند بخشنامه‌های متعدد، نوسان نرخ ارز و تحریم‌ها باعث شده که بخشی از ارز حاصل از صادرات، به چرخه رسمی بازنگردد. بنابراین راه منطقی آن است که به جای انباشت پرونده‌های قضاایی، امکان مصالحه ریالی فراهم شود. اما منتقدان در همان اتاق جلسه زمزمه کردند که این طرح بیشتر به نفع «متخلفان بزرگ» است تا صادرکنندگان واقعی. به تعبیری، این پیشنهاد یعنی «بخشیدن تخلف در ازای پرداخت ناچیز». تخلفاتی که مطابق گزارش مجله تجارت‌فردا، ۱۷ میلیارد دلار است. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که نگاه‌ها را متوجه پشت صحنه لابی اتاق کرده است.

وقتی تخلف جایزه می گیرد

سال‌هاست بخش خصوصی از سنگینی قوانین و فشار مقرراتی و مالیاتی شکایت دارد. اما نکته اینجاست که بسیاری از همان شرکت‌هایی که حالا دنبال تسویه ریالی هستند، از انرژی ارزان، مواد اولیه یا رانه‌ای و مجوزهای خاص دسترسی به نهاده‌های صادراتی بهره‌مند شده‌اند. آنها را از حاصل از فروش را یا در حساب‌های خارجی نگه داشته‌اند یا از مسیرهای غیررسمی وارد بازار کرده‌اند. حالا اگر همین گروه بتوانند با پرداخت ریالی و بدون بازگرداندن ارز، از بار تعهد خلاص شوند، نتیجه‌اش روشن است: پاداش به قانون‌گریزی و بی‌عدالتی برای فعالان شفاف. موافقت کار گروه تعهد ارزی دولت با این پیشنهاد، به بقیه صادرکنندگان نشان داد که تخلف به‌صرفه‌تر از قانون‌مداری است. چون قانون‌مدارها از راد چرخه زمانی کوتاه‌مدت و به نرخ نیمایی برمی‌گردند و بابت این کار زیان می‌دهند. ولی متخلف‌ها با چند میلیارد ریال تسویه، برنده می‌شوند. آن هم در حالتی که ماجرای مشابهی پیش‌تر رخ داده بود. در سال‌های پس از

در دیدار اعضای اتاق بازرگانی با رئیس جمهور، یکی از مهم‌ترین درخواست‌ها، تسویه ریالی تعهدات ارزی صادرکنندگان متخلف بود، اقدامی که عدالت را به چالش می‌کشد و مسیر نفوذ شبکه‌های مالی را هموار می‌کند

در دیدار اخیر اعضای اتاق بازرگانی با رئیس جمهور، یکی از مهم‌ترین درخواست‌ها، تسویه ریالی تعهدات ارزی صادرکنندگان متخلف بود، اقدامی که عدالت را به چالش می‌کشد و مسیر نفوذ شبکه‌های مالی را هموار می‌کند

جبهش ارزی دهه نود، دولت وقت برای بازگرداندن ارز صادراتی چندین مهلت و فرصت بخشش صادر کرد. نتیجه چه شد؟ بخش عمده‌ای از ارزها هرگز بازنگشت و صادرکنندگانی که به موقع تعهداتشان را انجام داده بودند، احساس بی‌عدالتی کردند. در نهایت، همان سیاست به رشد شرکت‌های کاغذی، حساب‌های خارجی و خروج سرمایه انجامید. تجربه تلخی که هنوز هم در یاد فعالان اقتصادی مانده است. «تسویه ریالی» وقتی بدون ضوابط شفاف اجرا شود، در واقع نسخه تازه‌ای از همان سیاست قدیمی است؛ فقط با نامی جدید.

راه‌حل چیست؟

هیچ سیاست اقتصادی مطلق نیست. راه‌حل منطقی شاید میان دو سر طیف قرار داشته باشد. اول، دولت باید بین پرونده‌های واقعی و صوری تفکیک قائل شود. صادرکننده‌ای که در دوران تحریم دچار مشکل بانکی شده، نباید با کسی که عمداً ارز را به خارج منتقل کرده یکسان دیده شود. دوم، اگر قرار است تسویه ریالی انجام شود، باید با جریمه‌ای متناسب و شفافیت کامل همراه باشد. فهرست شرکت‌های مشمول باید علنی شود تا از اتهام رانت جلوگیری گردد.

تالار دوم و رویای ارز تک‌نرخی

در حاشیه همین دیدار، برخی از روسای کمیسیون‌های اتاق بر فعال‌تر شدن «تالار دوم بازار مبادله ارز» تأکید کردند. آنان می‌گویند اگر بازار واقعی و شفاف برای مبادله ارز شکل بگیرد، انگیزه تخلف هم کمتر می‌شود. اما کارشناسان هشدار می‌دهند تا زمانی که نظارت موثر و مجازات بازدارنده وجود نداشته باشد، هیچ تالاری نمی‌تواند جلوی گردش غیررسمی ارز را بگیرد. در واقع، بازار شفاف بدون نظم ارزی، فقط پوسته‌ای ز بیاست روی واقعیتی تیره و سیاه.

اقتصاد استثنایا

سیاست‌گذاران باید بدانند اقتصاد ایران دیگر تاب تصمیمات استثنایی را ندارد. هر بخشودگی بی‌ضابطه‌ای که امروز به‌نام حمایت از تولید انجام شود، فردا به زیان کلیت تولید تمام خواهد

سرمقاله

حافظ، شاعر زمانه‌ها

امروز روز حافظ است. او یکی از محبوب‌ترین شعرای فارسی زبان قرن هشتم هجری قمری است. به طوری که اشعار او پس از قرن‌ها در ایران و سراسر جهان همچنان طرفداران بسیاری دارد. نام کامل او خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی است. در تاریخ کشورمان کمتر چهره‌ای را می‌توان مثل حافظ یافت که مرز زمان را درنوردیده باشد و قرن‌ها بعد از زیست خودش، همچنان در جان مردم حضور داشته باشد. حافظ قرآن را از حفظ داشت و در سراسر دیوانش، ده‌ها اشاره قرآنی، تفسیری و الهامی وجود دارد. او این مفاهیم را با زبانی شاعرانه، لطیف و عمیق بازآفرینی کرد. به‌همین دلیل شعرش هم عرفانی است و هم قرآنی. حافظ همچنین زبان فارسی را به اوج غزل رساند. او از قالب غزل برای بیان مفاهیم بسیار عمیق عرفانی، اجتماعی و عاشقانه استفاده کرد و توانست میان عشق زمینی و عشق الهی پیوندی ظریف ایجاد کند. لقب «لسان‌الغیب» نیز به این دلیل به او داده شده که اشعارش سرشار از ایهام، رمز و چندلایی معنایی است. هر بیت او می‌تواند چند تفسیر متفاوت داشته باشد. اشعار او از عاشقانه تا غرافه و طنز اجتماعی تا اعتراض سیاسی را در برمی‌گیرد. حافظ اما آینده‌اندیشه ایرانی در برابر تغییر، ربا و فراموشی نیز به‌شمار می‌رود. او در زمانه‌ای زیست که سیاست، دین، عشق و عقل در جدال بودند و از دل این تناقض‌ها، زبانی زاده شد که تا امروز با ما سخن می‌گوید. حافظ شناسان عقیده دارند که او از همان آغاز، راهی متفاوت از شاعران هم‌عصر خود برگزید. حافظ مدیحه‌گو نبود. همچنان که صرفاً عاشق پیشه‌ای خیال‌پرداز هم نبود. حافظ، ناظری دقیق بر ریاکاری‌های روزگارش بود. در روزگاری که تظاهر دینی ارزش شمرده می‌شد، او بی‌پروا از «خرابیات مغان» گفت و «نور خدا» را در آن دید. در جهانی که فاصله طبقات و قدرت برانسان سنگینی می‌کرد، حافظ با زبانی لطیف اما انتقادی به مردم آموخت که معنار را در درون خویش بجویند و سراغ فرمان نروند. اما شاید بزرگ‌ترین میراث حافظ، زبان چندوجهی و جادوانه‌اش باشد. هیچ شاعر فارسی‌زبان به اندازه او نتوانسته است در هر عصر و برای هر نسل، معنایی تازه بیافریند. غزل‌های او در قرن هشتم برای اهل عرفان الهام‌بخش بود، در دوران مشروطه نشانه آزادی خواهی شد، در عصر مدرن ابزار تحلیل روانی و فلسفی بود و امروز در میان میلیون‌ها ایرانی، زبان ناخودآگاه جمعی است. به همین دلیل است که در فرهنگ مردم ایران، حافظ یک شاعر بزرگ، حکیم، مفسر زندگی و الهام‌بخش درونی است. رسم «فال حافظ» نشان می‌دهد که مردم شعر او را آینه‌ای برای درون خود می‌دانند. شهروندان ایرانی که در شب پل‌آدیوان حافظ را می‌گشایند در واقع به تاریخ و فرهنگ ایرانی مراجعه می‌کنند. مجموعه این دلایل باعث شده که تاثیر حافظ از مرزهای ایران فراتر برود. به‌طوری که گوته، شاعر بزرگ آلمانی، او را «قدیس شعر» خواند و با الهام از او دیوان «ش‌رقی» را سرود. حتی دیوان حافظ در روزگاران گذشته تا امروز در بسیاری از سرزمین‌ها دست به دست شده و توانسته شرق را به جهانیان شناساند. در عصر حاضر نیز ترجمه‌های جدیدی از غزل‌های او منتشر می‌شود، چون معنای اشعار حافظ هرگز پایان نمی‌گیرد. حالا به روزگار کنونی برگردیم. روزگاری که سرعت و سطحی‌نگری بر عمق و تأمل غلبه یافته است. در این زمانه بازگشت به حافظ می‌تواند بازگشت به فهمی ایرانی از زیبایی و خرد باشد. چون حافظ به ما یاد داد که میان عقل و عشق، میان ایمان و شک، میان نقد و لطافت، می‌توان تعادلی شاعرانه یافت. هر ملتی، نمادی برای ماندگاری خویش دارد. نمادهای ایرانی البته بسیار است. یکی از این نمادها نیز حافظ است. حافظ در کنار غزل‌هایش، به ما می‌آموزد چگونه در دل آشوب، لایخنند بزیم و در اوج شکست، از «امید وصل» بگوییم.

بازار خودرو ایران، سال‌هاست در چنبره انحصار دو خودروساز بزرگ گرفتار مانده؛ ایران خودرو و سایپا. خصوصی‌سازی، که قرار بود این ساختار را اصلاح کند، در عمل به تثبیت همان انحصار انجامیده‌ است. واگذاری‌های صوری، حذف نهادهای نظارتی وانتقال مسئولیت قیمت‌گذاری به سازمان‌هایی با کارنامه‌ای مبهم، نه‌تنها رقابت را شکل نداده بلکه مسیر گران‌فروشی را هموار کرده‌ است. در چنین فضایی، مصرف‌کننده ایرانی با محصولات ی مواجه است که نه کیفیت دارند، نه قیمت منطقی و نه خدمات پس از فروش قابل اتکا. توقف نصداد ایران خودرو در بورس و اعلام قربی‌الوقوع قیمت‌های جدید، تنها یکی از نشانه‌های این بحران ساختاری است که تا اصلاح واقعی ساختار بازار خودرو، ادامه خواهد داشت.

خصوصی‌سازی ایران خودرو قرار بود مسیر رقابت، ارتقای کیفیت و کاهش قیمت را هموار کند، آنچه در صنعت خودرو ایران رخ داده تثبیت انحصار، حذف نظارت و افزایش بی‌ضابطه قیمت‌هاست. توقف نماد ایران خودرو در بورس و تصمیم‌گیری دربراره قیمت‌های جدید، بار دیگر نشان داد که خصوصی‌سازی در این صنعت نه به سود مصرف‌کننده بوده و نه به نفع اقتصاد ملی. به همین دلیل بار دیگر پای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به بازار خودرو باز شد. در حالی که خصوصی‌سازی قرار بود نقطه‌عطفی در اصلاح ساختار بازار خودرو ایران باشد، آنچه امروز شاهد آن هستیم، تثبیت انحصار و گران‌فروشی تحت پوشش واگذاری است. اعلام توقف نماد ایران خودرو در بورس به دلیل تصمیم‌گیری درباره قیمت‌های جدید، بار دیگر نشان داد که خصوصی‌سازی در صنعت خودرو نه به افزایش کیفیت منجر شده و نه به کاهش قیمت؛ بلکه به ابزاری برای فرار از نظارت و تحمیل هزینه بیشتر به مصرف‌کننده تبدیل شده است. بازار خودرو ایران سال‌هاست در چنبره انحصار دو خودروساز بزرگ گرفتار شده؛ ایران خودرو و سایپا. این دو شرکت، با وجود واگذاری‌های صوری و ادعای خصوصی‌سازی، همچنان تحت نفوذ نهادهای شبه‌دولتی و ساختارهای رانتی فعالیت می‌کنند. در چنین فضایی، نه رقابت واقعی شکل گرفته و نه کیفیت محصولات ارتقا یافته است. تازه‌ترین نمونه از این وضعیت، توقف نصداد ایران خودرو در بورس به دلیل تصمیم‌گیری درباره قیمت‌های جدید است؛ اقدامی که بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره ماهیت خصوصی‌سازی در صنعت خودرو ایران مطرح کرده است.

## رمز ارز

**آزاد کلیر** | اعلام تعرفه‌های ۱۰۰درصدی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا علیه چین، نه‌تنها بازارهای جهانی را شوکه کرد، بلکه ضربه‌ای سنگین به رمزارزها وارد ساخت. بیت کوین، اتر یوم و آلت کوین‌ها در عرض چند ساعت سقوط کردند و بیش از ۲۰۰میلیارد دلار ارزش بازار دیجیتال دود شد. این ریزش، نشانه‌ای از شکنندگی ساختار رمزارزها در برابر تحولات ژئوپلیتیکی و وابستگی شدید آن‌ها به زنجیره تأمین فناوری بود. تنش‌های تجاری تازه میان ایالات متحده و چین، موجی از شسوک و بی‌اعتمادی را به بازارهای جهانی تزریق کرد. در این میان، بازار رمزارزها بیش از همه آسیب دید؛ سقوط ناگهانی بیت کوین، اتر یوم و آلت کوین‌ها نشان داد که دارایی‌های دیجیتال چقدر به زنجیره تأمین فناوری و فضای روانی اقتصاد جهانی وابسته‌اند.

در روزهایی که بازارهای جهانی به‌دنبال نشانه‌هایی از ثبات و بازگشت اعتماد بودند، یک پیام سیاسی کافی بود تا میلیاردها دلار ارزش دارایی‌های دیجیتال دود شود. اعلام تعرفه‌های ۱۰۰درصدی بر واردات چین توسط رئیس‌جمهور آمریکا، نه‌تنها به‌عنوان یک تهدید تجاری تلقی شد، بلکه به‌سرعت به بحران نقدینگی در بازار رمزارزها تبدیل شد. بیت کوین، اتر یوم، ریپل و بایننس در عرض چند ساعت سقوط کردند و بیش از ۲۰۰میلیارد دلار ارزش بازار رمزارزها از بین رفت. این سقوط، صرفا واکنشی به یک پیام نبود؛ بلکه نشانه‌ای از شکنندگی ساختار بازار دیجیتال در برابر تحولات ژئوپلیتیکی و وابستگی شدید آن به زیرساخت‌های فناورانه‌ای بود که در قلب زنجیره تأمین جهانی قرار دارند.

### از تعرفه تا فروپاشی اعتماد

رئیس‌جمهور آمریکادر بیانیه‌ای اعلام کرد که از اول نوامبر، تعرفه ۱۰۰درصدی بر تمام کالاهای وارداتی از چین اعمال خواهد شد. هم‌زمان، کنترل‌های صادراتی جدیدی بر فناوری‌های حساس از سوی چین اعلام شد. این دو اقدام، به‌مثابه آغاز یک جنگ تجاری تمام‌عیار، بازارهای جهانی را غافلگیر کرد.

در کمتر از چند ساعت، ارزش بازار رمزارزها از ۴.۲۵ تریلیون دلار به ۴۰۵ تریلیون دلار کاهش یافت. بیت‌کوین بیش از ۱۰ درصد افت کرد، اتر یوم و ریپل تا ۱۵ درصد سسقوط کردند و آلت‌کوین‌ها در برخی موارد تا ۶۰درصد کاهش قیمت داشتند. بیش از ۱۰میلیارد دلار موقعیت معاملاتی لیکوید شد و معامله‌گران در وضعیت اضطراری قرار گرفتند. کارشناسان علت اصلی سقوط را اختلال احتمالی در زنجیره تأمین تجهیزات ماینینگ و فناوری‌های بلاک‌چین عنوان کرد. چین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تجهیزات استخراج رمزارز و قطعات نیمه‌هادی است. محدودیت‌های صادراتی جدید، تهدیدی مستقیم برای زیرساخت‌های فنی بازار رمزارزها محسوب می‌شود.

### رفتار ریسک‌گرن سرمایه‌گذاران

با افزایش تنش‌ها، سرمایه‌گذاران به‌سرعت از دارایی‌های پرریسک مانند رمزارزها خارج شدند. رفتار ریسک‌گرن، نه‌تنها بازار دیجیتال بلکه بازارهای سهام آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار داد. شاخص‌های S&P۵۰۰، نزدک و داو جونز همگی کاهش یافتند و شرکت‌های بزرگ فناوری مانند تسلا، آمازون و اپل با افت ارزش مواجه شدند.

تحلیل‌گران هشدار داده‌اند که ادامه این تنش‌ها می‌تواند به شکل‌گیری بلوک‌بندی‌های اقتصادی جدید میان غرب و شرق منجر شود. در چنین فضایی، رمزارزها که به زیرساخت‌های جهانی وابسته‌اند، بیش از همه

**کمیسیون اصل ۹۰ مجلس پس از توقف نماد ایران خودرو، نحوه تعیین قیمت‌های جدید خودرو را بررسی می‌کند**

# خصوصی‌سازی خودرو

## خصوصی‌سازی ایران خودرو به جای رقابتی‌سازی

## به انزواری برای حذف نظارت و افزایشی قیمت‌ها تبدیل شده‌ است

### آغاز یک سناریوی تکراری

هیئت‌مدیره ایران خودرو اعلام کرده که به‌زودی قیمت‌های جدید خودرو را منتشر خواهد کرد؛ تصمیمی که باعث توقف نماداین شرکت در بورس شده است. این توقف، نه به‌دلیل اصلاح ساختار یا ارتقای کیفیت، بلکه به‌منظور آماده‌سازی بازار برای پذیرش قیمت‌های بالاتر صورت گرفته است. در واکنش به این اقدام، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس وارد عمل شده و خواستار محاسبه قیمت‌ها توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان مطابق با مصوبه شورای رقابت شده است. اما این ورود، در شرایطی رخ می‌دهد که پیش‌تر، نقش شورای رقابت در قیمت‌گذاری خودروها به‌دلیل اعتراض خودروسازان حذف شده بود و قرار شد پس از خصوصی‌سازی، سازمان‌حمایت جایگزین آن شود.

آنچه در عمل رخ داده، نه خصوصی‌سازی واقعی، بلکه واگذاری صوری سهام به نهادهای شبه‌دولتی و صندوق‌های بازنشستگی است. این واگذاری‌ها نه ساختار مدیریتی را تغییر داده‌اند و نه منجر به رقابت شده‌اند. در واقع، خصوصی‌سازی در صنعت خودرو به ابزاری برای خروج از نظارت مستقیم دولت و افزایش قیمت‌ها تبدیل شده است. خودروسازان با حذف شورای رقابت، عملاً دست خود را برای قیمت‌گذاری بازتر دیده‌اند،

واگذاری‌های صوری، حذف



بی‌آنکه ملزم به ارتقای کیفیت یا کاهش هزینه‌ها باشند. در سال‌های اخیر، قیمت خودرو در ایران با شسب تند افزایش یافته، در حالی که کیفیت محصولات نه‌تنها بهبود نیافته بلکه در مواردی کاهش نیز داشته است. گزارش‌های متعدد از نقص‌های فنی، ایمنی پایین و خدمات پس از فروش ضعیف، نشان می‌دهد که مصرف‌کننده ایرانی در برابر خودروسازان انحصاری، عملاً بی‌دفاع مانده است. در غیاب رقابت، خودروسازان نه انگیزه‌ای برای نوآوری دارند و نه فشاری برای پاسخگویی به نیازهای بازار.

### سازمان حمایت ناظر یا مهر تابید؟

واگذاری مسئولیت قیمت‌گذاری به سازمان حمایت، در ظاهر اقدامی نظارتی است، اما در عمل، این نهاد نیز تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد. تجربه‌های گذشته نشان داده که سازمان‌حمایت بیشتر نقش مهر تابید بر تصمیمات خودروسازان را ایفا کرده تا تدافعی حقوق مصرف‌کننده باشد. در چنین شرایطی، توقف نصداد ایران خودرو و انتظار برای اعلام قیمت‌های جدید، بیش از آنکه نشانه‌ای از اصلاح باشد، مقدمه‌ای برای گران‌فروشی جدید است. بازار خودرو ایران، نمونه‌ای روشن از شکست خصوصی‌سازی در شرایط انحصاری است. واگذاری‌های صوری، حذف

کشور حدود ۴۵ تا ۵۰درصد اعلام شده بود. در دوره‌ای که شوروی رقابت مسئول مستقیم قیمت‌گذاری خودرو بود (تا پیش از سال ۱۴۰۲)، هر چند خودروسازان از قیمت‌گذاری دستوری گلایه داشتند، اما افزایش قیمت‌ها با شسب ملایم‌تری انجام می‌شد. شورای رقابت با استفاده از فرمول‌های مشخص، قیمت خودرو را بر اساس نرخ تورم بخشی، هزینه‌های تولید و سود منطقی تعیین می‌کرد. این سازوکار، هر چند ناکامل، اما مانعی در برابر جهش‌های ناگهانی قیمت بود. در آن دوره، افزایش سالانه قیمت خودروها معمولاً بین ۱۵ تا ۳۰درصد بود و خودروسازان موظف بودند مستندات هزینه‌ای خود را برای هر افزایش قیمت ارائه دهند. اما پس از حذف شورای رقابت از فرآیند قیمت‌گذاری و واگذاری مسئولیت به سازمان‌حمایت، شفافیت کاهش یافت و قیمت‌ها به‌صورت ناگهانی و بدون پاسخگویی افزایش یافتند.

### نتیجه خصوصی‌سازی در انحصار

در یک بازار رقابتی، خصوصی‌سازی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت و کاهش قیمت شود. اما در بازار انحصاری خودرو ایران، خصوصی‌سازی بدون رقابت، تنها بهانه‌ای برای حذف نظارت و دوره نظارت شوروی رقابت، گرچه قیمت‌ها کنترل‌شده‌تر بود، اما امروز عملاً هیچ سازوکار موثری برای مهار گران‌فروشی در بازار انحصاری خودرو وجود ندارد.

### آغاز موج جدید گرانی

خصوصی‌سازی ایران خودرو که در ظاهر با هدف افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت و رقابتی‌سازی بازار خودرو انجام شد، در عمل به تثبیت انحصار و حذف نهادهای نظارتی انجامید. از زمان واگذاری سهام مدیریتی این شرکت به نهادهای شبه‌دولتی و صندوق‌های بازنشستگی، قیمت خودروهای تولیدی این شرکت با رشد شگمگیر مواجه شده است. برای نمونه، قیمت پژو ۲۰۶ تیپ ۲ که ۲۰۰۳میلیون تومان بود بعد از حرکت ایران خودرو به سمت خصوصی‌سازی افزایش بیش از ۲۳۰درصد داشته است. این در حالی است که در همان بازه، نرخ تورم رسمی

ریختن بازار خودرو ندارد.

## نقد و بررسی

دادند که رمزارزها هنوز به بلوغ اقتصادی نرسیده‌اند. اگر تنش‌های تجاری میان آمریکا و چین ادامه یابد، بازار رمزارزها باید خود را برای موج‌های بعدی آماده کند، موج‌هایی که نه‌تنها قیمت‌ها، بلکه اعتماد عمومی به دارایی‌های دیجیتال را تهدید خواهند کرد.

### تحلیل تکنیکال بیت‌کوین و اتر یوم

تحلیل تکنیکال نشان می‌دهد که بیت‌کوین و اتر یوم در حال آزمایش سطوح حمایتی کلیدی هستند و در صورت تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی، بازار رمزارزها ممکن است وارد فاز اصلاح عمیق‌تری شود. در عین حال، عوامل سیاسی همچون تعرفه‌های تجاری، محدودیت‌های صادراتی و سیاست‌های پولی آمریکا، جهت‌گیری بازار را به سمت نوسانات شدید و رفتار ریسک‌گرن سوق داده‌اند.

### سطوح بحرانی پیش روی بیت‌کوین و اتر یوم

بر اساس داده‌های فنی منتشرشده در گزارش‌های اخیر، بیت‌کوین پس از برخورد با مقاومت سنگین در محدوده ۱۲۵.۰۰۰ دلار، وارد فاز اصلاحی شده و اکنون در حال آزمایش حمایت کلیدی در محدوده ۱۰۵.۰۰۰ تا ۱۰۸.۰۰۰ دلار است. اگر این سطح حفظ نشود، تحلیل‌گران احتمال افت بیشتر تا محدوده ۱۰۲.۵۰۰ دلار یا حتی ۹۸.۰۰۰ دلار را مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر، در صورت بازگشت قیمت و تثبیت بالای ۱۱۵.۰۰۰ دلار، احتمال صعود مجدد تا سقف تاریخی ۱۲۶.۰۰۰ دلار وجود دارد. اتر یوم نیز پس از سقوط ۱۵ درصدی، در محدوده ۳۷.۰۰۰ دلار معامله می‌شود و در وضعیت اشباع فروش قرار دارد. شاخص‌های تکنیکال نشانه‌هایی از بازگشت تقاضا را نشان می‌دهند، اما تثبیت قیمت بالای ۴.۰۰۰ دلار برای تأیید روند صعودی ضروری است.

### رمزارزها در تلافی جنگ تجاری و سیاست پولی

در سطح کلان، بازار رمزارزها به‌شدت تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. اعلام تعرفه‌های ۱۰۰درصدی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا و تهدید چین به اعمال محدودیت‌های صادراتی بر عناصر کمکیاب و فناوری‌های حیاتی، زنجیره تأمین تجهیزات ماینینگ و زیرساخت‌های بلاک‌چین را در معرض تهدید قرار داده است. این موضوع باعث افزایش رفتار ریسک‌گرن و خروج سرمایه از دارایی‌های پرریسک مانند رمزارزها شده است. از سوی دیگر، سیاست‌های پولی فدرال رزرو نقش مهمی در جهت بازار دارند. کاهش نرخ بهره در ماه سپتامبر و احتمال ادامه این روند تا پایان سال، می‌تواند به نفع دارایی‌های دیجیتال باشد. با این حال، عدم قطعیت ناشی از تعطیلی دولت آمریکا و تأخیر در انتشار داده‌های اقتصادی، نوسانات بازار را تشدید کرده است.

### بازار در آستانه تصمیم‌گیری

بازار رمزارزها اکنون در نقطه‌ای حساس قرار دارد. از یک‌سو، فشارهای سیاسی و اقتصادی می‌توانند اصلاح عمیق‌تری را رقم بزنند؛ از سوی دیگر، عوامل فنی و تاریخی مانند عملکرد مثبت فصل چهارم و انتظار برای هاوینگ بیت‌کوین در سال ۲۰۲۶ می‌توانند زمینه‌ساز بازگشت تدریجی اعتماد باشند. در کوتاه‌مدت، تثبیت قیمت بیت‌کوین بالای ۱۰۸.۰۰۰ دلار و اتر یوم بالای ۳۸.۰۰۰ دلار، برای حفظ ساختار صعودی حیاتی است. اما در صورت تشدید تنش‌ها میان واشنگتن و پکن، بازار ممکن است وارد فاز رکود و نوسان شدیدی شود.

## نگاه

# محرک پنهان گرانی پروتئینی‌ها

درباره بازار نهاده‌های دامی ایران که تحت تأثیر تحریم، انحصار و ضعف نظارت، باعث افزایش شدید قیمت گوشت و مرغ و تهدید امنیت غذایی شده است

**گروه اقتصادی** | بازار نهاده‌های دامی در ایران طی سال‌های اخیر به یکی از گلوگاه‌های بحرانی در زنجیره تأمین پروتئین تبدیل شده است. از اواخر دهه ۱۳۹۰، فشار تحریم‌ها، وابستگی شدید به واردات ذرت، سویا و کنجاله و ضعف ساختار توزیع، زمینه‌ساز تنش‌های مزمن در تأمین خوراک دام و طیور شده‌اند. در چنین بستری، شکل‌گیری شبکه‌های محدود واردکنندگان و انحصار در توزیع، به‌ویژه در دوره تخصصی ارز ترجیحی، موجب شد کنترل بازار نهاده‌ها در اختیار گروه‌هایی خاص قرار گیرد؛ گروه‌هایی که اکنون با حذف ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱، عملاً بدون نظارت موثر، بازار را در قبضه خود دارند. هدف از حذف ارز ترجیحی، آزادسازی بازار و تقویت تولید داخلی بود، اما فقدان زیرساخت‌های آماده و ضعف نظارت اجرایی، نه‌تنها به تحقق این هدف منجر نشد، بلکه شوک قیمتی شدید و نابسامانی گسترده در توزیع را به دنبال داشت. وزارت جهاد کشاورزی، طبق قوانین بالادستی، موظف به تأمین و توزیع نهاده‌ها با اولویت تولیدکنندگان واقعی است، اما گزارش‌های میدانی و صنفی نشان می‌دهند که این وز نتخانه در برابر حلقه‌های بسته وارداتی و توزیع‌کنندگان انحصاری، عملاً ناتوان مانده است. در اسستان‌های دامداری محور مانند فارس، خراسان، گلستان و سمنان، این بحران به شکل کاهش جیره خوراک دام و افت شدید تولید بروز کرده است. کاهش دسترسی به نهاده‌ها، مستقیماً به کاهش تولید گوشت قرمز و مرغ منجر شده و زمینه‌ساز جهش قیمت در بازار مصرف شده است. کارشناسان کشاورزی بارها هشدار داده‌اند که در شرایط تحریم، از دست رفتن امنیت غذایی می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد؛ از افزایش فشار بر طبقات متوسط و ضعیف تا تشدید وابستگی به واردات و کاهش تاب‌آوری اقتصادی کشور.

در حالی که هشدارهای میدانی درباره کفایت ذخایر خوراک مرغ در برخی شهرستان‌ها به کمتر از چند روز رسیده، شواهد نشان می‌دهد این وضعیت محدود به یک منطقه نیست و در سراسر کشور جریان دارد. تولیدکنندگان در شرایطی گرفتار شده‌اند که ادامه روند فعلی، افزایش چندبرابری قیمت گوشت و مرغ را در بازه‌ای کوتاه محتمل کرده است. با وجود آنکه شخص وزیر جهاد کشاورزی از نگاه کارشناسان فردی معقول ارزیابی می‌شود، اما عملکرد مدیران زیرمجموعه وزارتخانه با نابسامانی و آشفتگی جدی مواجه است. بسیاری از مسئولان، به‌دلیل نگرانی از به خطر افتادن موقعیت اداری خود، ترجیح داده‌اند سکوت کنند و از مواجهه با بحران بهریز نمایند.

### نقش واردکنندگان نهاده‌های دامی در کنترل بازار

نقش واردکنندگان و انحصارگران نهاده‌های دامی در این بحران، پررنگ و تعیین‌کننده است. وزارت جهاد کشاورزی موظف به بر خورد با این گروه‌هاست، اما در عمل، هیچ اقدام موثری صورت نگرفته است. نتیجه این بی‌عملی، کنترل کامل بازار نهاده توسط گروهی محدود است که بر کل تولید محصولات پروتئینی کشور سایه انداخته‌اند و امنیت غذایی را به بازی گرفته‌اند. گزارش‌های صنفی حاکی از آن است که نامه‌های محرمانه متعددی درباره کمبود نهاده‌ها به دست مسئولان رسیده، اما به‌جای اقدام عملی، دغدغه اصلی آنان جلوگیری از رسانه‌ای شدن موضوع بوده است. در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است که چرا دولت در برابر بحرانی که سلامت تغذیه‌ای مردم و تعادل اقتصادی خوارها را تهدید می‌کند، صرفاً نظاره‌گر باقی مانده است؟ براساس داده‌های اتحادیه دامداران، هرگونه تأخیر در تأمین خوراک دام و طیور، مستقیماً به کاهش تولید و افزایش قیمت پروتئین منجر خواهد شد. این روند، نه‌تنها سرفه مردم را کوچک‌تر می‌کند، بلکه پیامدهای اجتماعی قابل توجهی در پی خواهد داشت؛ از افزایش نارضایتی عمومی تا تضعیف اعتماد به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت. در غیاب واکنش موثر، بحران نهاده‌های دامی به بحرانی فراگیر در حوزه امنیت غذایی بدل خواهد شد.

### افزایش بی‌رویه قیمت گوشت قرمز و مرغ

افزایش بی‌رویه قیمت گوشت قرمز و مرغ، اکنون نشانه‌های ملموس‌تری از فشار اقتصادی بر سفره خانوارهای ایرانی دیده می‌شود. کاهش قدرت خرید، که پیش‌تر در قالب آمارهای تورم و شاخص هزینه خانوار مطرح می‌شد، حالا در ساده‌ترین شکل خود را در تغییر الگوی مصرف غذایی مردم نشان داده است. گوشت، که زمانی عنصر ثابت سفره طبقه متوسط بود، امروز به کالایی لوکس و دور از دسترس برای بخش بزرگی از جامعه تبدیل شده است.

در بسیاری از مناطق شهری و روستایی، خانواده‌ها ناگزیر به حذف یا کاهش شدید مصرف گوشت قرمز و مرغ شده‌اند. جایگزین‌هایی مانند ماکارونی با سویا، عدسی، تخم‌مرغ و غذاهای نشاسته‌ای ارزان قیمت، به تدریج جای پروتئین‌های حیوانی را گرفته‌اند. این تغییر، نه‌از سر انتخاب تغذیه‌ای، بلکه ناشی از اجبار اقتصادی است؛ اجبار ناشی از بازاری که در آن قیمت هر کیلو گوشت قرمز از مرز ۵۰۰هزار تومان عبور کرده و مرغ نیز به سطحی رسیده که خرید آن برای بسیاری از خانوارها به خرید هفتگی یا حتی ماهانه محدود شده است.

### تغییر الگوی مصرف

این تغییر الگوی مصرف، پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای سلامت عمومی دارد. کاهش مصرف پروتئین حیوانی، به‌ویژه در کودکان، سالمندان و زنان باردار، می‌تواند در بلندمدت به سوءتغذیه، ضعف سیستم ایمنی و افزایش هزینه‌های درمانی منجر شود. در عین حال، فشار روانی ناشی از ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه غذایی، به‌ویژه در طبقات پایین در آمدی، به افزایش نارضایتی اجتماعی و احساس بی‌عدالتی دامن می‌زند.

با این حال، آنچه بیش از همه نگران‌کننده است، بی‌تفاوتی دولت در برابر این روند است. نه‌تنها سیاست موثری برای مهار قیمت نهاده‌ها و کنترل منجر گوشت ارائه نشده، بلکه حتی در سطح اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی نیز سکوتی سنگین حاکم است. در شرایطی که زنگ خطر امنیت غذایی به صدا درآمده، دولت همچنان در موضع انفعال باقی مانده و بار بحران را بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده رها کرده است. ادامه این وضعیت، نه‌تنها به تضعیف تولید داخلی و افزایش وابستگی به واردات منجر خواهد شد، بلکه شکاف طبقاتی در دسترسی به تغذیه سالم را نیز عمیق‌تر می‌کند. اگر دولت در کوتاه‌مدت برای اصلاح زنجیره تأمین نهاده‌ها، مقابله با انحصار و حمایت از تولیدکننده واقعی اقدام نکند، باید در آینده‌ای نه‌چندان دور، با بحران گسترده‌تری در حوزه سلامت و امنیت غذایی مواجه شود که نشانه‌های آن از هم‌اکنون در سفره‌های خالی مردم قابل مشاهده است.

تبدیل می‌کند.

با این حال، تکرار چنین گفت‌وگوهایی شاید نشانه‌ای از بازگشت تدریجی عقلانیت مبتنی بر سیاست باشد. اگر نگاه‌های رسمی بتوانند از این فرصت برای بازتعریف رابطه میان امنیت و رفاه بهره بگیرند، شاید دوگانه موشک و مردم به جای آنکه شکاف‌ساز باشد، پلی برای هم‌افزایی میان اقتدار و اعتماد شود. در غیر این صورت، همان گونه که تحلیل‌گران هشدار داده‌اند، هر سخن ظرف گویه‌ای می‌تواند جرقه‌ای تازه بر خاکستر مناقشات بین‌المللی باشد.

ملاحظات باسابقه و سفیر پیشین  
توگو با هفت صص و در تحلیل  
حمايه‌انه از سخنان (و ظرفيت)  
آنچه ظرفيت پيکان کرده، نه  
بلکه، باز تعریف آن در شرایط  
نماینده‌اند اور مجلس می‌گوید  
روز، کشورهای موفق ترند که  
سبت خارج کرده‌اند. ایران  
به همین سرمایه اجتماعی  
تبدیل در واقع یادوری



«هفت صبح» تاثیر خشکی تالاب جنوب شرق اصفهان بر زندگی مردم را بررسی می کند

# تالاب خشکیده سفیر مرگ شد

برداشت غیرمجاز معادن نمک و پتاس، رژیم هیدرولوژیک و اکوسیستم را برهم زده است



لیلا مرگن

هفت صبح

تالاب گاوخونی که روزگاری محل زایش و زندگی بود، این روزها به سفیر مرگ تبدیل شده است. ریزگردهای این تالاب خشکیده برای مردم منطقه سرطان به ارمغان آورده و پرندگان مهاجر دیگر برای عبور به سمت سرزمین های گرم، سری به گاوخونی نمی زنند. اگرچه اطلاعات دقیقی درباره تاثیر خشکی تالاب بر سلامت مردم منطقه در دسترس نیست اما فعالان محیط زیست می گویند که سونامی سرطان در منطقه باایرط به خشکی تالاب نیست. فعالیت معادن نمک حاشیه گاوخونی هم به دلیل وجود اورانیوم بیش از حد مجاز متوقف شده است. لب های تالاب گاوخونی بیش از سه دهه است که رنگ آب را به خود ندیده است. در تمام این مدت، فقط دو بار آن هم وقتی بارش زیاد بوده تالاب سیراب شده است. اصلی ترین رودخانه تغذیه کننده گاوخونی زاینده رود است که از حالت دائمی به فصلی تبدیل شده و اگر آبی در آن رها شود، آن قدر مشتری دارد که اصلا به بستر تالاب نرسد. حالا تالابی که روزگاری منشأ حیات بود، به ضد خود تبدیل شده و ریزگردهایش برای مردم منطقه بیماری به ارمغان می آورد. گاوخونی این روزها سفیر مرگ شده و تلاش سودجویان برای بهره برداری و انتفاع از عناصر حاشیه تالاب مثل پتاس و نمک، برای ساکنان اطراف این پهنه خشکیده، مشکلات متعددی آفریده است.

## مرگ آبزیان، بعد از خشکی تالاب

حسنت الله انتخابی فعال محیط زیست در گفت وگو با «هفت صبح» آخرین سالی که تالاب گاوخونی آب کافی دریافت کرده را سال ۱۳۷۲ اعلام می کند. در این سال بیشترین میزان آب دریافتی در ۵۰ سال اخیر به میزان ۹۰۰ میلیون مترمکعب وارد پهنه تالاب می شود و دیگر سیراب شدن تالاب، تبدیل به رویا می شود. به گفته او، سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ هم یک بار دیگر آب مناسب تری به گاوخونی وارد شد اما در بیشتر مواقع به جای آنکه ۱۷۹ میلیون متر مکعب حقایبه مصوب تالاب وارد آن شود، سالانه به طور میانگین یک پنجاهم یا یک صدم میزان مصوب آب وارد تالاب شده است. این روند زمینه مرگ آبزیان و عیدم مراجعه پرندگان مهاجر به تالاب را فراهم می کند. دیگر بستر تالاب تر نمی شود و در سال هایی که کمی بارش ها بهتر بوده، رگه های آب در نیم درصد پهنه تالاب و در زیر کوه سیاه مشاهده می شود.

## برداشت معادن، بدون نیاز به مجوز

همان سال هایی که تالاب رو به خشکی می گذارد، برداشت های سنتی نمک در حاشیه تالاب توسعه یافته و شاید همین برداشت ها، تبعات منفی خشک شدن تالاب را تقویت می کند. به جز نمک، پتاس هم کانی است که برداشت آن مورد توجه معدنکوان است اما پرشش اصلی این است که این برداشت ها بر تشدید اثرات منفی خشکی تالاب تاثیر دارد یا خیر؟

رضا خلیلی ورزنه فعال محیط زیست اصفهان و قهرمان تالاب در گفت وگو با هفت صبح خبر می دهد: چند ماه پیش برداشت معدن پتاس در ۱۲ کیلومتری تالاب گاوخونی آغاز شده اما فعلا متوقف می شود تا درباره تبعات این برداشت، مطالعاتی انجام شود.

به گفته خلیلی ورزنه، برداشت املاح نمکی از اراضی مجاور تالاب گاوخونی سابقه ای ۵۰ ساله دارد و شرکت نمک وحدت جرقویه که برداشتش هم بیش از حد مجاز بوده، در این منطقه مشغول به فعالیت می شود اما به خاطر اینکه میزان اورانیوم محصول این شرکت بیش از میانگین مجاز بوده، فعلا فعالیت آن متوقف می شود.

آن طور که این قهرمان تالاب می گوید: برداشت معادن نمک، یک مخروط آفت در منطقه ایجاد می کند که تمام آب های زیرزمینی را به سمت خود کشیده و رژیم هیدرولوژیک آن ناحیه را تحت تاثیر قرار می دهد، به نحوی که در درازمدت احتمال فرونشست را در استانی که رتبه اول فرونشست ایران را دارد، تقویت می کند.

این فعال محیط زیست بر این باور است که برداشت از معادن حاشیه تالاب گاوخونی با اصلاحاتی که انجام شده دیگر نیازی به مجوزهای سازمان محیط زیست ندارد و این مجموعه هم هیچ مجوزی برای برداشت معادن صادر نکرده است.

خلیلی ورزنه بررسی تاثیر برداشت معادن بر سلامت جامعه را نیازمند مطالعات دقیق می داند و با اشاره به سونامی سرطان در شهرهای اطراف تالاب شامل ورزنه، حسن آباد و ... تاکید می کند که باید با بررسی های علمی مشخص شود که آیا میزان سرطان در اطراف تالاب گاوخونی بیشتر از میانگین کشوری است یا خیر و آیا رابطه ای بین ریزگردهای حاصل از این برداشت ها با ابتلا به بیماری وجود دارد؟

## برداشت از بستر تالاب گاوخونی نیازمند مجوز

با توجه به هشدارهای مکرری که فعالان محیط زیست درباره اثرات مخرب ریزگردهای بستر تالاب بر سلامت جامعه داده اند، آیا سازمان حفاظت محیط زیست امکان



برای نجات گاوخونی باید حدود ۳۲ هزار هکتار از اراضی کم بهره ور و غیرراهبردی بالای بند چم آسمان را با دادن معوض ها شامل اراضی با کاربری مسکونی، تجاری، سهام شرکت های دولتی و مشوق های دیگر به صورت داوطلبانه آزاد کرد



مقابله بسا این روند مخرب را دارد و اساسا این سازمان مجوزی برای فعالیت معادن صادر کرده است؟ داریوش گل عزیزاده مدیر کل محیط زیست اصفهان در گفت وگو با «هفت صبح» درباره نیاز به دریافت مجوز برای برداشت در محدوده تالاب بیان می کند: هرگونه برداشت از داخل تالاب گاوخونی چون حفاظت شده است، نیاز به مجوزی دارد، همان طور که برداشت از مناطق چهار گانه محیط زیست حتما نیاز به استعلام دارد، ولی خارج از مناطق محیط زیست بر اساس ماده ۲۴ مکرر قانون معادن، الزامی برای دریافت مجوز محیط زیستی وجود ندارد و این مسئله ما را دچار مشکل کرده است. البته او از تلاش مجلس برای اصلاح این قانون خبر می دهد.

## نیاز به کاهش ۳۲ هزار هکتاری سطح زیر کشت در چم آسمان

اگرچه خبر اصلاح قانون معدن برای کاهش اثرات مخرب معدنکاو در بستر تالاب گاوخونی خبری خوب به حساب می آید اما چگونه می توان راهی پیدا کرد که گاوخونی بار دیگر زنده شود؟ عیسی بزرگ زاده سخنگوی صنعت آب در گفت وگو با «هفت صبح» در این رابطه توضیح می دهد: ۷۰ درصد از منابع آب زیر زمینی و حدود ۸۰ درصد از منابع آب سطحی کشور دچار اضافه بار گذاری آبی هستند. در چنین شرایطی به رغم اولویت دهی به تامین نیازهای محیط زیستی پیکره های آبی، در عمل به ویژه در سال های خشک، آب های رهاسازی شده برای اهداف محیط زیستی از سوی برخی مصرف کنندگان بخش کشاورزی مورد دست اندازی قرار می گیرند. راهی به جز کاهش بار گذاری آبی در دشت ها و حوضه های آبریز تحت تنش آبی نداریم. باید از مصارف آب کشاورزی کم کرد، راهکار اصلی نجات تالاب گاوخونی، خارج کردن زمین های کشاورزی کم

برداشت معادن نمک، یک مخروط آفت در منطقه ایجاد می کند که تمام آب های زیرزمینی را به سمت خود کشیده و رژیم هیدرولوژیک منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد



درباره مرکز بازپروری پارک پردیسان که به دلیل مکان نامناسب و مشکلات ساختاری، همچنان خطاهای گذشته را تکرار می کند

## پردیسان، بازپروری در مکان اشتباه

**هفت صبح** | معاون محیط زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست از تلاش برای جذب منابع مالی برای ایجاد یک بیمارستان و مرکز بازپروری مجهز در محدوده پارک پردیسان خبر می دهند. این در حالی است که کارشناسان ایجاد مرکز فعلی در این پارک پر گردشگر در میان اتوبان های پر تردد تهران را اقدامی نادرست توصیف می کنند. گم شدن توله خرسی در پارک پردیسان باز هم ذهن ها را معطوف به غیر استاندارد بودن این مرکز بازپروری سازمان محیط زیست کرد. یک توله خرس نزدیک به دوساله که در مرکز بازپروری پارک پردیسان نگهداری می شد، در حالی مفقود شد که بسپاری از فعالان محیط زیست و کارشناسان این حوزه باور ندارند که توله خرسی در این سن و سال بتواند راه درازی پیموده و از دسترس مسئولان مربوطه خارج شود. از آنجا که پارک پردیسان در میان اتوبان های پر تردد تهران قرار دارد، کارشناسان بر این باورند که مرکز بازپروری پردیسان در جای نامناسبی ایجاد شده و باید سازمان محیط زیست چاره ای برای رفع نیازهایش بیاندیشد زیرا این اولین بار نیست که حیوانی در مرکز بازپروری پارک پردیسان آسیب می بیند. سال ۹۲ هم یک گوزن زرد در این پارک تعرض شکار چپان مورد هدف قرار گرفته بود. در آن سال هم مهمترین دلیل این تعرض دسترسی شکارچپان به قفس حیوان از داخل اتوبان اعلام شده بود.

## ایجاد مرکز جدید در نزدیکی پارک پردیسان

سرنوشت توله خرس پردیسان هرگز مشخص نشد و حمید ظهراپی در گفت وگو با ایسنا از قرار توله خرس سخن می گوید در حالی که به نظر می رسد احتمال در دیده شدن توله خرس کوچک، به مراتب بیشتر از قرار باشد. به گفته ظهراپی، قرار است برای بهبود شرایط مرکز بازپروری پارک پردیسان چندین اقدام انجام شود تا از تکرار اتفاقات مشابه جلوگیری شود. یکی از این اقدامات دوربین گذاری و رفع نواقعی است که در مرکز وجود داشته و به سرعت در حال اصلاح است. علاوه بر آن فرآیند استاندارد سازی محل های نگهداری حیوانات نیز در حال انجام است.

او اگرچه قبول دارد که مرکز بازپروری پردیسان از ابتدا در مسیر نامناسب با استانداردهای نادرست ساخته شده است اما از طرخی جدید درباره ایجاد یک بیمارستان و مرکز بازپروری استاندارد و مجهز رونمایی می کند که در صورت تامین اعتبار، باز هم در محدوده پارک پردیسان احداث خواهد شد.

حال این پرسش مطرح است که اگر معاون محیط زیست طبیعی سازمان محیط زیست قبول دارد که مرکز قبلی در جای مناسبی ساخته شده است، چرا با صرف اعتبارات جدید باز هم قرار است همان خطای گذشته را تکرار کرده و جایی در نزدیکی پارک پردیسان را به ایجاد مرکز بازپروری اختصاص دهد؟

## امضای تفاهم نامه با دامپزشکی

ظهراپی درباره دیگر اقدامات سازمان محیط زیست از بهسازی و تقویت مرکز فعلی بازپروری پارک پردیسان و پیگیری امضای تفاهم نامه هایی با مراکز دامپزشکی خارج از سازمان محیط زیست برای همکاری در حوزه حیات وحش خبر می دهد. اگرچه او در ابتدای سخنانش از تلاش های سازمان برای رفع نواقص مرکز بازپروری پردیسان سخن می گوید اما در میانه صحبت هایش یادآوری می کند که ساختار فعلی مرکز بازپروری پردیسان از نظر طراحی قفس ها و جانی های فضاها ایراد دارد و اصلاح آن تقریبا غیر ممکن به نظر می رسد. به گفته او، با وجود این مشکلات، از آنجایی که مراکز نگهداری و بازپروری حیات وحش کشور بسیار محدود و تعداد نیروهای متخصص حیات وحش نیز کم است، سازمان حفاظت محیط زیست ناچار است حیواناتی با شرایط ویژه مانند حیوانات آسیب دیده که نیاز به نگهداری دارند را در مرکز پارک پردیسان نگهداری کند، البته در همین کلینیک موارد متعددی از نجات و بازگشت حیوانات به طبیعت ثبت شده است.

## پیدا کردن خرس سه کیلویی، کار ساده ای نیست

معاون محیط زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست از درمان بیش از ۸۰ فرد از گونه های مختلف در پارک پردیسان و بازگشت آنها به زیستگاه طبیعی خبر می دهد و درباره قرار توله خرس در تابستان گذشته می گوید: قرار توله خرس در شرایط خاصی اتفاق افتاد حیوان از مرکز خارج و وارد پارک پردیسان شد؛ پارکی که بیش از ۲۷۰ هکتار وسعت دارد. بنابراین به رغم تلاش های گسترده نیروها، از جمله کمک نیروهای نظامی و استفاده از پهپادهای حرارتی، ردی از حیوان پیدا نشد. بیش از ۲۰ روز به صورت شبانه روزی کار و حدود ۳۰ تله زنده گیری در نقاط مختلف پارک جای گذاری شد اما در نهایت اثری از توله خرس به دست نیامد. او با در نظر گرفتن احتمالات مختلف درباره سرنوشت توله خرس گم شده، بیان می کند: واقعیت این است که پارک پردیسان با ساختار طبیعی و عوارض متعدددش از درختزار و قنات گرفته تا منول ها و لانه های حیوانات، مکان پیچیده ای برای جست و جوست. پیدا کردن یک خرس سه تا چهار کیلویی در چنین فضایی کار ساده ای نیست.



شناسه آگهی: ۲۰۱۹۱۱۰

نوبت دوم



## (( تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی ))

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

شماره مناقصه: ۳۷-۰۰۰۳۶۹۹۰۰۰۴۰۰۲۰۰۴

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان – بندر جاپهار در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی احداث اسکله های جستجو و نجات دریایی در زرباد و پسیندر را با برآورد اولیه ۲۸، ۱۲۶۰، ۲۹۵۸۶۰ ریال بر مبنای فهرست بهای سال ۱۴۰۴ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

شرایط الزامی شرکت در مناقصه مطابق بند ۱- الزامات استعلام ارزیابی کیفی شامل موارد ذیل می باشد:

۱- دارا بودن حداقل پایه ۵ رشته راه و ترابری یا حداقل پایه ۵ در رشته آب صادرة از سازمان برنامه و بودجه کشور

۲- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی مربوط به سال ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ می باشد .

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد: از تاریخ چاپ دومین آگهی در روزنامه کثیرالانتشار از روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ .

مهلت زمانی ارسال پیشنهادات: از تاریخ اتمام دریافت اسناد از روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ .

تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۰۸:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ در محل اتاق کنفرانس طبقه چهارم ساختمان اداری شماره یک بندر شهید بهشتی .

اصل ضمانتنامه بانکی با فیش نقدی ارزیزی به حساب سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۴،۷۹۳،۰۰۶،۳۰۱ ریال باید تحویل دبیرخانه بندر شهید بهشتی گردد .

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها

آدرس: جاپهار – انتهای خیابان شهید ریگی – اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان بندر شهید بهشتی – ساختمان شماره یک .

تلفن: ۰۵۴-۳۱۲۸۳۰۰۰

فاکس: ۰۵۴-۳۵۳۳۱۴۱۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۲۷-۸۸۹۶۹۷۲۸-۸۵۱۹۳۷۸-۰۲۱

مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۲۴

م الف ۲۶۶۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

شناسه آگهی: ۲۰۲۱۱۸۲

نوبت اول

## آگهی ارزیابی کیفی مناقصه ۰۴۱۰۹

موضوع: احداث جاده دسترسی، آماده سازی محل کمپ و محوطه جاه اکتشافی وردلان-۱

شماره ستاد: ۳۳-۰۰۰۰۹۲۹۲۱۰۰۰۴۰۰۲۰۰۴



شرکت ملی نفت ایران  
مدیریت اکتشاف

- کلیه ضمانت نامه های ارجاع کار، انجام تعهدات، پیش پرداخت و حسن اجرای کار صادر شده توسط صندوق پژوهش و فناوری صنعت نفت قبول می باشد. ((ضمانت نامه های صادرة از بانک پاسارگاد و سیه مورد پذیرش نمی باشد))

متقاضیان جهت دریافت اسناد ارزیابی، تکمیل و عودت آن از طریق وبگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) اقدام نمایند. لازم به ذکر است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد را به انجام رسانند.

مهلت دریافت استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد): تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ ساعت ۱۲

آسناد و مدارک مناقصه بین شرکت های واجد شرایط که به تشخیص مناقصه گزار حداقل امتیاز کیفی را کسب می نمایند توزیع خواهد گردید.

بدیهی است رایزه مدارک فوق الذکر هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

متقاضیان می توانند در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه، شرایط و مسائل فنی و مالی با تلفن ۰۲۱-۲۲۲۲۲۰۰۲۷ و در خصوص سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با تلفن ۰۲۱-۶۱۲۲۰۰۷۸ تماس حاصل نمایند.

WWW.NIOCEXP.IR

WWW.IETS.MPORG.IR

روابط عمومی مدیریت اکتشاف



**گالری‌گردی**

مدرن را می‌توان در اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار دید. او در کاخ گلستان و ارگ سلطنتی فضاهایی برای گردآوری و نمایش آثار ایجاد کرد، انگیزه‌های پشت‌این جمع‌آوری‌ها چندلایه و تا حدی مبهم بود؛ علاقه واقعی به هنر یا صرفاً نمایشی از قدرت و ثروت؟ این ابهام همچنان به نوعی بر وضعیت مجموعه‌داری و گالری‌داری امروز ایران سایه افکنده است. با وجود گذشت بیش از یک قرن، هنر و بازار آن هنوز به جایگاهی واقعی در زندگی روزمره مردم ایران نرسیده‌اند و گالری‌گردی، بیشتر نمایشی است برای عده‌ای محدود که قادر به حضور در این فضاها هستند.»



در روزگاری که بازار هنر ایران با چالش‌هایی چون نوسانات اقتصادی، کاهش حمایت‌های دولتی و تغییر ذائقه عمومی روبه‌روست، برخی گالری‌ها همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و می‌کوشند نقش خود را در حفظ و گسترش هنر معاصر ایفا کنند. گالری «هما» یکی از همین نقاط است؛ فضایی که از دل خیابان سنایی تهران سر برآورده و حالا، بعد از ۱۴ سال فعالیت مداوم و برگزاری بیش از ۶۰ انمایشگاه، هنوز می‌تواند در میان این هیاهو نفس بکشد و پایدار باشد. برای آنکه بدانیم مسیر ورود آثار هنری به گالری‌ها چگونه است، قیمت‌گذاری‌ها چگونه انجام می‌شود و گالری‌داران با چه واقعیت‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به سراغ هنگامه معمری، مدیر گالری هما و هنرمند باسابقه این عرصه رفته‌ایم. گفت‌وگویی روشن‌گر درباره نقش گالری‌ها در شکل دادن به سلیقه هنری جامعه، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و آینده این حرفه در ایران.



نگاهی نزدیک به نقش گالری‌ها در جریان هنر معاصر ایران

گفت‌وگو با هنگامه معمری، نقاش و گالری‌دار

# دیوارهای سفید، رویاهای رنگی

«آینده گالری‌داری در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آینده گالری‌داری در ایران با چالش‌های جدی همراه است. فاصله تکنولوژیک، عقب‌ماندگی اقتصادی و مشکلات فرهنگی روند تحولات را کند و پراز موانع کرده است. اما در عین حال این امکان وجود دارد که با برنامه‌ریزی دقیق و گام‌های سنجیده، به سمت آینده‌ای روشن و همگام با جهان حرکت کنیم. البته خطر این هم وجود دارد که ایران به واسطه شرایط خاص اقتصادی و فرهنگی، چند دهه عقب‌تر از روندهای جهانی باقی بماند و جبران این عقب‌ماندگی کار ساده‌ای نخواهد بود. در نهایت، گالری‌داران و هنرمندان باید با خلاقیت، نوآوری و مقاومت، مسیر خود را در این شرایط دشوار پیدا کنند.

حال حاضر نیز گالری‌هایی مثل گلیمچر و نسل‌های بعدی آن جایگاهی مشابه دارند. بنابراین گالری‌داران نمایش‌دهنده آثار هستند و در شکل‌دهی و جهت‌دهی جریان هنر نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

«حمایت‌های دولتی و نهادهای فرهنگی تا چه حد در رشد و پایداری گالری‌ها موثر بوده‌اند؟

من معتقدم حمایت‌های دولتی اغلب همراه با چشم‌داشت و محدودیت‌هایی است که در نهایت به ضرر هنر تمام می‌شود. هنر وقتی به حمایت دولتی وابسته شود، مانند پرندهای در قفس خواهد بود که نمی‌تواند به پرواز درآید. نمونه بارز این موضوع را در سینمای امروز ایران می‌بینیم که وابستگی شدید به نهادهای دولتی باعث رکود و کاهش خلاقیت شده است.

آثار هنری که زمانی رونق داشت، بسیار محدودتر و محتاطانه‌تر شده است.

«برخی معتقدند گالری‌داران نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی سلیقه و اقبال عمومی نسبت به سبک‌های هنری مختلف دارند. نظر شما در این باره چیست؟

قطعا این نظر درست است. گالری‌داران در واقع «نگهبان سلیقه جمعی» هستند. طی ۱۰۰ سال اخیر، گالری‌ها به مثابه مراقبان و شکل‌دهندگان روند هنر بوده‌اند و نقش آنها را می‌توان به اندازه خود هنرمندان مهم دانست. اگر به تاریخ هنر معاصر نگاه کنیم، خواهیم دید که تأثیر افراد و گالری‌های خاص حتی به اندازه هنرمندان بزرگ بوده است؛ برای مثال نقش کستلی در هنر نیویورک کمتر از وار هولر نیست. در

ندارند. این روش‌ها شاید محصول شرایط بحران اقتصادی باشند، اما در عین حال فرصت‌هایی جدید برای گالری‌داران ایجاد کرده‌اند.

«با توجه به شرایط کنونی بازار هنر، آیا خریداران و مجموعه‌داران به اندازه گذشته تمایل و توان خرید آثار هنری را دارند؟

به هیچ وجه. در حال حاضر بیشتر خریداران حرفه‌ای هنر را کارآفرینان و صاحبان صنایع تشکیل می‌دهند اما با ناترازی‌های گسترده در حوزه صنعت، سقوط ارزش ریال و تحریم‌های اقتصادی، انگیزه و توان مالی کلکسیونرهای جدی به شدت کاهش یافته است. این شرایط باعث شده بازار هنر با رکود مواجه شود و خرید و فروش

فعالیت‌های گالری‌داران تأثیر گذاشته است و چه راهکارهایی برای مواجهه با این شرایط وجود دارد؟

چند سال اخیر را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین دوران‌های اقتصادی ایران دانست. اقتصاد بخش خصوصی تحت فشارهای سنگینی قرار گرفته و در این شرایط، گالری‌ها نیز به ناچار شیوه‌های جدیدی برای بقا و ادامه فعالیت یافته‌اند. ما شاهد شکل‌گیری شبکه‌ای از فضاهای نمایشی در مراکز فروش شهری، کافه‌ها و کانسپت استورها هستیم؛ فضاهایی که علاوه بر نمایش آثار، به نوعی فرهنگ‌سازی و ایجاد ارتباط جدید با مخاطب کمک می‌کنند. رویدادهای هنفگی و ماهانه نیز به بخشی از فرهنگ مصرف طبقه متوسط و بالاتر تبدیل شده‌اند، هرچند بخش زیادی از جامعه هنوز دسترسی به این فضاها

«قیمت‌گذاری آثار هنری بر چه اساسی انجام می‌شود و چه عواملی در تعیین ارزش اثر تأثیرگذارند؟

قیمت‌گذاری آثار هنری موضوعی پیچیده و چندوجهی است. سابقه هنرمند، فرآیند خلق اثر، هزینه‌های تولید و حتی تاریخچه کاری هنرمند از عوامل مهم در تعیین قیمت هستند. اما آنچه در نهایت تعیین‌کننده اصلی ارزش اثر است، مفهوم برندینگ هنرمند است؛ یعنی جایگاه و شناختی که هنرمند در بازار و نزد مخاطبانش دارد. این برندینگ حاصل سال‌ها تلاش، نمایشگاه‌ها، نقدهای هنری و پذیرش اجتماعی است. بنابراین، قیمت فقط یک عدد مالی نیست؛ نمایانگر جایگاه هنرمند در عرصه هنر است.

«وضعیت اقتصادی فعلی چگونه بر

آثار هنری معمولاً از چه مسیرهایی به گالری‌ها راه پیدا می‌کنند؟

آثار هنری از مسیرهای مختلفی وارد گالری‌ها می‌شوند. بخش زیادی از آنها از دل آکادمی‌ها و در جریان ژورمان‌های پایان‌ترم دانشجویان هنر شکل می‌گیرند. همچنین توصیه‌های کلکسیونرها و دیلرهای هنری نیز نقش مهمی در معرفی آثار به گالری دارند. گالری‌ها اما راهکار خاص خود را دارد؛ ما سال‌هاست که سالانه رویداد «منتخب نسل نو» را برگزار می‌کنیم، رویدادی که به بررسی و ارزیابی نسل جوان هنرمندان می‌پردازد و به آنها فرصتی می‌دهد تا به فضای حرفه‌ای هنر وارد شوند. این رویکرد به ما کمک کرده تا همیشه با نسل جدید در تماس باشیم و آثار تازه و نوآورانه را معرفی کنیم.



در زادن روز بهمن علاءالدین، نگاهی دوباره به صدای ایل آوای راستین کوه و دشت

مسعود بختیاری با صدای خود فرهنگ بختیاری را از حاشیه به متن موسیقی ملی آورد

الهه کاکایی

هفت صبح

بهمن علاءالدین (مسعود بختیاری)، خنیاگری بود که مرزهای یک خواننده محلی را درنوردید و به صدای ماندگار و راوی اصلی یک قوم تبدیل شد. در زادروز، او، ۲۰ مهرماه، نگاهی دوباره می‌اندازیم به میراث گران‌سنگی که او با تجابت تمام به جا گذاشت. کمتر پیش می‌آید که یک هنرمند، مرزهای جغرافیایی و فرهنگی صرف را در هم بشکند و به نماد حیات و اصالت یک ملت تبدیل شود. بهمن علاءالدین، با تخلص جاودانه‌اش، مسعود بختیاری، چنین قامتی در موسیقی ایران داشت. او صرفاً خواننده قوم‌لر بختیاری نبود؛ او فریاد رسای ایل در گذر از سنت به مدرنیته و پل اتصال نسل‌های گسسته به ریشه‌های اصیل خود بود. این صدای پرعصارت و در عین حال حزین، در ۲۰ مهر ۱۳۱۹ از مسجدسلیمان برخاست. شهری که بوی نفت و تاریخ مدرن ایران را می‌داد و خاستگاه مردی شد که بعدها معلمی را پیشه کرد و تا سال‌ها، حتی شاگردانش در ایذه و باغملک، نمی‌دانستند این آموزگار فروتن، همان «مسعود بختیاری» محبوب است که نوای گرمش، قلب‌ها را تسخیر کرده. این گمنامی خودخواسته، یکی از کلیدهای شخصیت پیچیده و وارسته علاءالدین است. او از شهرت‌گریزان بود و هنر را نه برای خود که برای مردم و فرهنگش می‌خواست. تا جایی که حتی لقب «مسعود بختیاری» نیز تصادفی و برای معرفی آلبوم، «گل‌های کاغذی»، انتخاب شد.

میراثی فرا‌تر از یک ملودی

اوج کار علاءالدین، پس از سکوتی چندساله، در دهه ۶۰ با آلبوم حماسی «مال کنون» رخ داد؛ آلبومی که موسیقی بختیاری را از خطر زوال رهاید و جانی دوباره بخشید. آثار او روایتگر کوچ و زندگی ایلپاتی‌اند و مملو از واگانی چون «مه (ماه)»، «فتو (آفتاب)»، «کوگ (کبک)»، «اور (بر)» هستند؛ نشان از طبیعت‌گرایی عمیقی که در تار و پود وجودش ریشه داشت. او صرفاً یک خواننده نبود، یک پژوهشگر بی‌ادعا بود که اشعارش را خود می‌سرود و طرح آوازی‌اش را می‌آفرید و با احیای کلمات و اصطلاحات فراموش شده، حافظ گویش اصیل بختیاری شد. روایت‌ها از بزرگی او بسیار است؛ از جمله آنکه محمدرضا شجریان، اسطوره آواز ایران، از شنوندگان آهنگ‌های او بود. این گواهی، علاءالدین را در قله موسیقی نواحی ایران می‌نشاند. هنرمندی که با آنکه ترانه‌سرای عشق‌های پاک و ساده ایلپاتی بود، اما خود هرگز از دواج‌نکرد و روح لطیف خود را وقف خانواده و هنر ایش کرد.

خاموشی یک ستاره

علاءالدین، در سال‌های پایانی زندگی‌اش، در کرج گوشه‌نشینی گزید و سرانجام در صبحگاه ۱۲ آبان ۱۳۸۵، در غربانه‌ترین حالت و به دور از دیار خود اما در میان اندوه یک ملت، خاموش شد. مزار او در امامزاده طاهر کرج، در جوار بزرگان هنر ایران، امروز زیارتگاه هزاران علاقه‌مندی است که «آوای راستین ایل» را در نغمه‌های او می‌شنوند. او فردوسی شعر و موسیقی بختیاری بود که بر کالبد هنر محلی، روحی حماسی و نغزی دمید. علاءالدین با «دل چی آسمون پاکش»، برای همگرای، شادی و دوستی مردمش می‌خواند و هیچگاه در پی سیاس‌گراری نبود. او خنیاگری بود که «کوگ تاراز» را به پرواز درآورد تا نوای ایل تاابد در آسمان هنر ایران بماند. به راستی که «پهلوان زنده را عشق نیست»؛ و این، سرنوشته محتوم بسیاری از ستارگان فرهنگ ماست که پس از کوچ، قدر و ارزش‌شان آشکار می‌شود. یادش همیشه سبز و صدایش همیشه ماندگار.

به ثبت حقوقی برند، ناچار شد نام خود را به «زی‌ویژن» تغییر دهد. این تغییر شناخته‌رده، نشانه‌ای از همان آشفتگی‌ای است که در عملکرد مالی و مدیریتی پلتفرم هم مشهود است.

بر اساس گزارش‌ها، «زینما» با مشکلات مالی عدیده‌ای روبه‌رو بوده و بسیاری از پرداخت‌های آن به عوامل پروژه‌ها با تأخیر یا به‌طور ناقص انجام شده است. این اتفاق یادآور سرنوشت پلتفرم‌هایی مانند «استارنت» است که در نبود پشتوانه سرمایه‌ای فنی، تنها چند گام تا سقوط کامل فاصله دارند. در چنین شرایطی، طبیعی است که اختلافات میان تهیه‌کننده و بازیگران به بحران عمومی بدل شود.

واکنش اهالی سینما

در تازه‌ترین گفت‌وگو با مجله فیلم امروز، امیرحسین فتحی نیز از رفتار تهیه‌کننده در قبال سجاد بابایی انتقاد کرده و آن را «غیرحرفه‌ای و غیرمنصفانه» دانسته است. او گفته: «آیا درست است که تهیه‌کننده فقط به‌دلیل درخواست دستمزد از سوی یک بازیگر، نام او را در قسمت سایر بازیگران بزند؟ مگر همچنین چیزی می‌شود.»

وقتی هوش مصنوعی به جای انسانی می‌نشیند

شاید چنجالی‌تر اما از آنجا آغاز شد که برخی رسانه‌ها خبر دادند سکانس‌های باقی‌مانده از حضور سجاد بابایی، با هوش مصنوعی بازسازی شده است. اگرچه این ادعا هنوز از سوی عوامل «شغال» تأیید یا تکذیب رسمی نشده اما طرح آن در فضای رسانه‌ای، نگرانی تازه‌ای درباره مرزهای اخلاقی استفاده از فناوری در تولیدات هنری به وجود آورده است.

آیا می‌توان چهره بازیگری را بدون رضایتش با هوش مصنوعی بازتولید کرد؟ این پرسش حالا به موضوعی داغ در محافل سینمایی بدل شده است. برخی منتقدان معتقدند چنین اقدامی، نه فقط تضییع حقوق هنرمند که ورود به منطقه خاکستری مالکیت هنری است؛ جایی که تکنولوژی از ابزار خلاقیت به سلاحی برای حذف بدل می‌شود.

پلتفرم‌هایی با پای لرزان

اما در پس این اتفاقات، رد پای ضعف ساختاری پلتفرم پخش سریال نیز دیده می‌شود. پلتفرمی که در ابتدا با نام «زینما» معرفی شد اما به دلیل بی‌توجهی مدیرانش

سینما حضور پیدا کرد؛ و در «استاد» سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد را از جشنواره فجر گرفت. او در «مجنون» نیز یکی از تحسین‌شده‌ترین بازی‌ها را ارائه داد و با ایفای نقش شهید زین‌الدین در فجر چهل‌دوم به جمع نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول پیوست.

حالا همیمن باز یگیر، در تازه‌ترین تجربه نمایش خانگی‌اش، به جای دیده شدن، با حذف نامش از تیتراژ «شغال» روبه‌رو شده است. تصمیمی عجیب، در حالی که او در سریال به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی حضور دارد و بازی‌اش مورد قبول مخاطبان قرار گرفته است.

طبق گزارش‌ها، رأی این نهاد صنفی به نفع بابایی صادر شده اما ماجرا به اینجا ختم نشده است. در اقدامی غیرمنتظره، تهیه‌کننده تصمیم گرفته نام بازیگر را از تیتراژ اصلی حذف کند و او را تنها در میان «سایر بازیگران» بیاورد؛ رفتاری که از دید بسیاری از فعالان سینما، غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی است.

تکذیب رسمی نشده اما طرح آن در فضای رسانه‌ای، نگرانی تازه‌ای درباره مرزهای اخلاقی استفاده از فناوری در تولیدات هنری به وجود آورده است.

آیا می‌توان چهره بازیگری را بدون رضایتش با هوش مصنوعی بازتولید کرد؟ این پرسش حالا به موضوعی داغ در محافل سینمایی بدل شده است. برخی منتقدان معتقدند چنین اقدامی، نه فقط تضییع حقوق هنرمند که ورود به منطقه خاکستری مالکیت هنری است؛ جایی که تکنولوژی از ابزار خلاقیت به سلاحی برای حذف بدل می‌شود.

سینما حضور پیدا کرد؛ و در «استاد» سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد را از جشنواره فجر گرفت. او در «مجنون» نیز یکی از تحسین‌شده‌ترین بازی‌ها را ارائه داد و با ایفای نقش شهید زین‌الدین در فجر چهل‌دوم به جمع نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول پیوست.

حالا همیمن باز یگیر، در تازه‌ترین تجربه نمایش خانگی‌اش، به جای دیده شدن، با حذف نامش از تیتراژ «شغال» روبه‌رو شده است. تصمیمی عجیب، در حالی که او در سریال به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی حضور دارد و بازی‌اش مورد قبول مخاطبان قرار گرفته است.

این حذف، نه تنها در تیتراژ که در اقلام تبلیغاتی و پوسترهای رسمی نیز رخ داده است؛ بی‌آنکه توضیحی از سوی تهیه‌کننده یا کارگردان ارائه شود. مخاطبان

بازیگری که از تیتراژ حذف شد، نه از حافظه تماشاگر

سجاد بابایی، بازیگری که در سال‌های اخیر مسیر درخشانی را طی کرده، در سال ۱۳۹۶ و با بازی در فیلم سوزن آب به کارگردانی بهمن شهبان و در ژانر درام اجتماعی، برای نخستین بار در پرده

بازیگری که از تیتراژ حذف شد، نه از حافظه تماشاگر

سجاد بابایی، بازیگری که در سال‌های اخیر مسیر درخشانی را طی کرده، در سال ۱۳۹۶ و با بازی در فیلم سوزن آب به کارگردانی بهمن شهبان و در ژانر درام اجتماعی، برای نخستین بار در پرده

روایت یک حذف پر حاشیه

تیتراژ سریال

یا بازی قدرت

ماجرای حذف نام سجاد بابایی از تیتراژ «شغال»، تصویری از بی‌ثباتی ساختاری و فقدان ضوابط حرفه‌ای در تولیدات آنلاین را آشکار کرد

گروه فرهنگ و هنر | در روزهایی که نمایش خانگی ایران بیش از هر زمان دیگری زیر ذره‌بین مخاطبان قرار دارد، ماجرای حذف نام سجاد بابایی از تیتراژ سریال «شغال» ساخته پهرنگ توفیقی به یکی از بحث‌برانگیزترین اتفاقات پشت صحنه بدل شده است. ماجرای که در ظاهر به یک اختلاف مالی برمی‌گردد اما در عمق خود، نشانه‌ای است از بحرانی گسترده‌تر در زیست‌بوم پلتفرم‌های تازه‌کار و سرمایه‌گذاری‌های بی‌پایه در صنعت سریال‌سازی.



## نگرانی والدین ومعلمان از تغییر ارزش های تربیتی ونفوذ فضای مجازی

در رفتار دانش آموزان

# معلم ها حریف موبایل نمی شوند

سامان مردانی، جامعه شناس: حدود ۶۰ درصد از دانش آموزان در معرض الفاظ رکیک از طریق همسالان خود در مدرسه قرار گرفته اند



رضا نیکنام  
هفت صبح

در دنیایی که هر روز پیچیده تر می شود، ما فرزندان مان را با هزار امید و آرزو به مدرسه می فرستیم؛ همان جایی که روزی خودمان در آن الفبای زندگی را موخیم اما امروز فضای آموزشی و تربیتی برخی مدارس، قداست گذشته را ندارد و به میدانی برای نبردی نابرابر تبدیل شده است؛ نبردی بین ارزش های خانه و خانواده و آنچه در جامعه کوچک مدرسه می گذرد. این گزارش، روایتی است از دلنگرانی های بی پایان پدران و مادرانی که هر صبح با بوسه فرزندشان را به مدرسه می فرستند اما هر بعدازظهر با ترسی تازه در انتظار بازگشت او می نشینند.

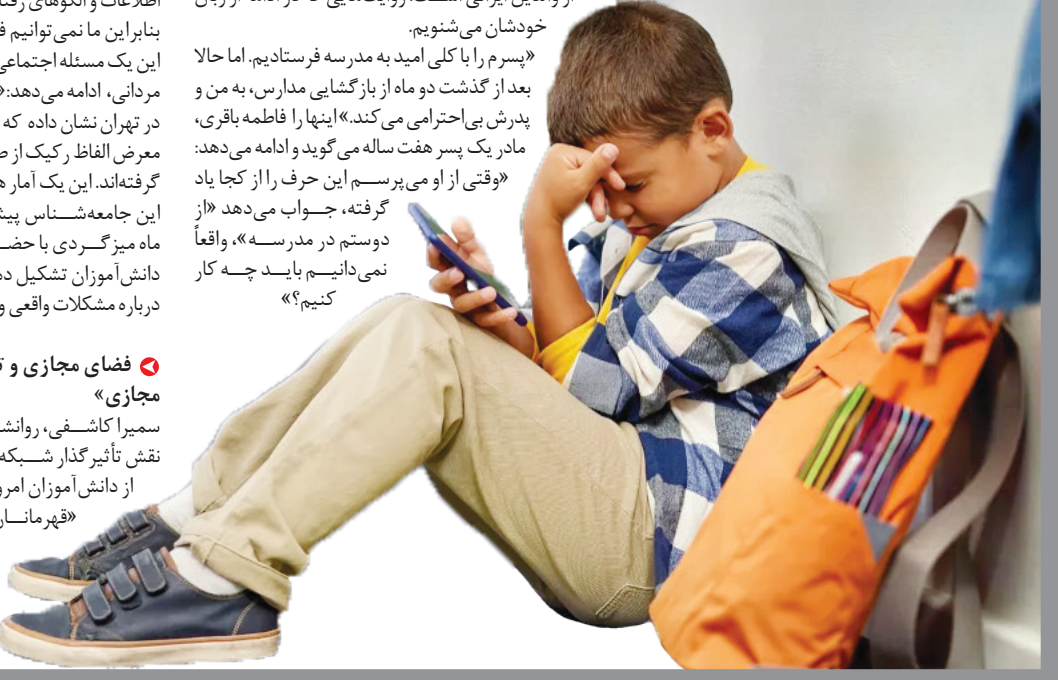
### دیگر حتی به مادر خودش هم احترام نمی گذارد!

گاهی اوقات یک کلمه، یک رفتار یا یک نگاه از سوی فرزندمان، چنان زلزله ای مهیب، تمام بنیان های تربیتی و آرمان های خانوادگی ما را به لرزه درمی آورد. اینجا دیگر پای یک شیطنت کود کان در میان نیست؛ پای «بی احترامی» در حال رخنه کردن به حریم مقدس رابطه والد و فرزند ی است. همان رابطه ای که قرن ها ستون خانواده ایرانی بوده است. اما حالا همین قداست توسط دانش آموزانی که قرار بود در مدارس درس تربیت و ادب بیاموزند، زیر پا گذاشته شده است. امروز دیگر دانش آموزان نه در خانواده هایی که هم پدر و هم مادر شاغلند که در مدارس تربیت می شوند اما نتیجه این تربیت چیزی نیست جز ناهنجاری های اخلاقی و رفتاری، فحش ها و ناسزا های زشتی که بین دانش آموزان رد و بدل می شود و حتی، بی حرمتی به بزرگ ترها و از آن مهمتر، به پدر و مادر.

اما این تغییر ناگهانی از کجا آب می خورد؟ آیا این فقط یک «دوره گذر» است یا زنگ خطری برای یک «بحران فرهنگی» بزرگ تر؟ وقتی کودک هفت ساله ای که دیروز با نوازش دستان مادرش به خواب می رفت، امروز با چشمانی معصوم از «دوستم در مدرسه» به عنوان منبع یادگیری بی احترامی نام می برد، باید در جست وجوی مقصر بود یا در پی ریشه یابی یک زخم عمیق تر؟

از نگرانی خاموش تا فریاد خشم؛ این داستان امروز بسیاری از والدین ایرانی است. روایت هایی که در ادامه از زبان خودشان می شنویم.

«پسرم را با کلی امید به مدرسه فرستادیم. اما حالا بعد از گذشت دو ماه از بازگشایی مدارس، به من و پدرش بی احترامی می کند. اینها را فاطمه باقری، مادر یک پسر هفت ساله می گوید و ادامه می دهد: «وقتی از او می پرسم این حرف را از کجا یاد گرفته، جواب می دهد «از دوستم در مدرسه»، واقعاً نمی دانیم باید چه کار کنیم؟»



علیرضا نوری، پدر یک دانش آموز ۱۲ ساله در یک مدرسه غیرانتفاعی لوکسی می گوید: «ماهانسه ۵ میلیون تومان شهریه می دهیم تا فرزندمان در محیطی سالم درس بخواند اما متأسفانه برخی از بچه ها در همین مدرسه، با تلفن همراه فیلم های غیراخلاقی تماشا می کنند و تازه این فیلم ها را بین هم دست به دست می کنند. ما به عنوان پدر و مادر، نگران هستیم و احساس درماندگی می کنیم.»

زهرآ کریمی پور، مادر دو پسر دانش آموز می گوید: «من و همسر هر شب بیدار می انیم و در مورد آینده پسران مان صحبت می کنیم اما به واقع نمی دانیم که چه اتفاقی می افتد! اگر امروز در ۱۰ سالگی به معلم و بزرگتر خود بی احترامی می کنند، فردا در ۲۰ سالگی چه خواهند کرد؟ سیستم آموزشی ما کجای کار اشتباه می کند؟»

### معلمان واقعا در این جاده تنها مانده اند

اما در این میان سخنان معلم ها نیز در نوع خودش شنیدنی است. یکی از همین معلم ها نمی خواهد نامش برده شود، با ۲۰ سال سابقه تدریس در مدارس مختلف می گوید: «بسیاری از والدین در برابر مدرسه جبهه می گیرند. به فرض اگر معلمی یا مشاوری در مدرسه به رفتار ناشایست و دور از اخلاق دانش آموزی اعتراض کند، متأسفانه در بیشتر اوقات با والدین پر خاشگری مواجه می شوند که این جمله را به زبان می آورند، «شما فقط درست را بده، تربیت بچه با خودمان!». این یک بن بست آموزشی است.»

### مدرسه دیگر آن «دیوار بلند» نیست!

امروز دیگر صدای بی احترامی تنها از کوچه و خیابان به گوش نمی رسد؛ این بار این صدا از پشت دیوارهای مدرسه و از زبان کودکانی به گوش می رسد که باید مامن امنیت و تربیت شان باشد. این بخش روایتی است از نگرانی عمیق والدین و تحلیل کارشناسان از ریشه های این پدیده نگران کننده. از شکسته شدن حریم مدرسه توسط فضای مجازی تا تنها ماندن معلمان در خط مقدم تربیت. اما در پایان این تونل تاریک، راهکارهای عملی برای بازپس گیری این حریم از دست رفته پیشنهاد شده است.

سامان مردانی، جامعه شناس در گفت و گو با هفت صبح می گوید: «در گذشته، مدرسه مانند یک دژ محکم با قوانین مشخص و قاطع عمل می کرد. اما امروز با نفوذ گوشی های هوشمند و فضای مجازی، به نوعی حریم و دیوار مدارس شکسته شده و فضای آموزشی مثل سابق نیست. برای همین است که دانش آموزان در معرض سیل عظیمی از اطلاعات و الگوهای رفتاری درست و نادرست قرار دارند. بنابراین ما نمی توانیم فقط مدرسه را مقصر اصلی بدانیم؛ این یک مسئله اجتماعی چندوجهی است.»

مردانی، ادامه می دهد: «تحقیقات میدانی ما در ۱۰ مدرسه در تهران نشان داده که حدود ۶۰ درصد از دانش آموزان در معرض الفاظ رکیک از طریق همسالان خود در مدرسه قرار گرفته اند. این یک آمار هشدار دهنده است.»

این جامعه شناس پیشنهاد می کند: «مدارس باید هر ماه میزگردی با حضور والدین، معلمان و حتی خود دانش آموزان تشکیل دهند. در این جلسات به جای شعار، درباره مشکلات واقعی و راه حل های عملی بحث شود.»

### فضای مجازی و تقلید کورکورانه از «قهرمانان مجازی»

سمیرا کاشفی، روانشناس کودک و نوجوان با اشاره به نقش تأثیرگذار شبکه های مجازی می گوید: «بسیاری از دانش آموزان امروز، به جای معلم و پدر و مادر، «قهرمانان» خود را در فضای مجازی پیدا می کنند. این قهرمانان گاهی با ادبیات غیرمودبانه و رفتارهای پر خاشگرنه، به الگوهای رفتاری کودکان تبدیل می شوند.

مدارس باید با جذابیت های کاذب این فضای بی در و پیکر به شکل جدی رقابت کنند.»

این کارشناس در مصاحبه با روزنامه «هفت صبح» هشدار می دهد: «اگر مداخله به موقع صورت نگیرد، این کودکان در نوجوانی با اختلالات سلوک و در بزرگسالی با مشکلات هویت اجتماعی مواجه خواهند شد.»

این روانشناس تأکید می کند: «ما نمی توانیم کودکان را در حباب نگه داریم. اما می توانیم به آنها «مهارت نه گفتن» و «مقاومت در برابر تأثیرات منفی همسالان» را بیاموزیم. این مهارت ها باید در قالب نمایش و تکنیک های روانشناسی، در کلاس ها به بچه ها آموزش داده شود.»

### استفاده بهینه از ظرفیت اولیای دلسوز و آموزش دیده

عیسی بیگدلی، کارشناس و فعال اجتماعی نیز در گفت و گو با هفت صبح از زاویه دیگری به مسئله می نگرد و می گوید: «بهره گیری از ظرفیت بی نظیر اولیای دلسوز و علاقه مند، یکی از کلیدی ترین راهکارهای ارتقای امنیت تربیتی و آموزشی در مدارس است. در این راستا، ایجاد «کمیته والدین ناظر» متشکل از پدران و مادران داوطلب و آموزش دیده که در ساعات تفریح و نگاه های ورزش به صورت چرخشی در مدرسه حاضر شوند، هم یک اقدام نظارتی و هم یک سرمایه گذاری اجتماعی اثربخش است.»

به گفته بیگدلی، این کمیته می تواند با نظارتی غیرمستقیم و خردمندانه، به تقویت فضای اخلاقی و رفتاری مدرسه کمک شایانی کند. حضور این والدین در حیطات مدرسه و فضاهای ورزشی، ضمن ایجاد محیطی امن و پویا، زمینه ساز تعاملات سالم و سازنده میان دانش آموزان خواهد بود و موجب کاهش چشمگیر فرصت های بروز ناهنجاری های رفتاری و گفتاری در میان دانش آموزان می شود.

اما نکته حائز اهمیت در این زمینه، استفاده از والدین آموزش دیده است تا بتوانند با دانش و آگاهی لازم، رفتاری مبتنی بر اعتماد و احترام با دانش آموزان داشته باشند و در عین حال، نقش الگویی مثبت را نیز ایفا کنند. این مشارکت، علاوه بر تأمین امنیت روانی دانش آموزان، سبب افزایش اعتماد عمومی اولیا به سیستم آموزشی و تقویت پیوند نهاد خانواده و مدرسه می گردد که خود عاملی کلیدی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی است.

ایمن کارشناس خاطر نشان می کند: «ما معتقدیم چنین طرحی می تواند به ایجاد «مدرسه های پویا، امن و مشارکت محور» بینجامد و نسلی سالم تر و بانشاط تر را برای جامعه تربیت کند.»

### راهکار عملی: یک صف به هم پیوسته به جای دیوارهای بلند

به نظر می رسد حل این بحران چندوجهی، دیگر با سرزنش یکدیگر و شعارهای تکراری ممکن نیست. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز است، ایجاد یک «صف متحد تربیتی» است. در یک سر این صف، مدرسه قرار دارد که با بازگردان این نهاد صرفاً آموزشی صلب خارج شود و با برگزاری میزگردهای صمیمانه، باز یابی نقش مربیان پرورشی و ایجاد فضایی امن و جذاب، بار دیگر به کانون اعتماد دانش آموزان تبدیل گردد.

در سر دیگر این صف، خانواده ایستاده است؛ نه به عنوان منتقدی کناری، بلکه به عنوان شریکی فعال. خانواده های که با حضور دلسوزانه و آموزش دیده در قالب «کمیته های والدین ناظر»، پلی مستحکم بین خانه و مدرسه می زنند و دیگر نمی گوید «تربیت با خودمان»، بلکه فراید می زنند «تربیت، با همکاری ما».

و اما در میانه این صف، خود دانش آموز است که باید با آموزش مهارت های زندگی مانند «نه گفتن» و «تفکر نقادانه» در برابر طوفان سهمگین اطلاعات و الگوهای ناسالم مجازی مقاوم شود.



خوشاوندان خود واگذار می شود. در صورت عدم امکان تحویل کودک به خانواده زیستی یا خوشاوند، کودک به فرزندخواندگی سپرده خواهد شد.

این طرح اما حلا طرفداران زیادی پیدا کرده است چراکه این مدل برخلاف فرزندخواندگی که نیاز به شرایط خاص قانونی، عدم فرزند داشتن، یا انتقال بخشی از اموال دارد، می تواند فرصتی فراهم کند برای خانواده هایی که خواهان مشارکت انسانی و عاطفی هستند اما امکان قانونی فرزندخواندگی را ندارند. اولوند در این مورد هم می گوید: طرح میزبان حتی از مدل های امین موقت نیز ساده تر و در عین حال، سازگار یافته تر است، چراکه بدون نیاز به دستور قضایی و صرفاً با تأیید کار گروه تخصصی استان، امکان اجرای آن وجود دارد.

در مورد میزبان موفقیت این طرح در تسهیل واگذاری موقت فرزندان همین بس که به گفته اولوند در نیمه نخست سال جاری، نزدیک به ۴۰۰ کودک از طریق این طرح وارد خانواده های میزبان شده اند و در سال گذشته نیز حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کودک از طریق این طرح وارد خانواده ها شده اند.

### واگذاری هزار کودک در یک سال

اولوند مدعی است که در طول مدت حضور کودک در خانواده میزبان، بهزیستی و مرجع قضایی پیگیری خواهند کرد تا کودک به خانواده زیستی خود تحویل شود. در صورتی که امکان تحویل نباشد، کودک به خانواده جایگزین از بین

### تلنگر

جدال پلیس، کارشناسان و افکار عمومی درباره تغییر خط پلاک خودروها از فارسی به لاتین

## پلیس در مسیر «لاتین نویسی» پلاک های خودرو

پلیس می گوید تغییر خط پلاک ها برای کاهش خطای سامانه ها و جلوگیری از جعل اعداد فارسی در دستور بررسی کارشناسی است



چند هفته پیش بود که رئیس پلیس راهور فراجا به یک باره اعلام کرد احتمال دارد طرح تغییر خط پلاک های خودرو از فارسی به انگلیسی به زودی اجرایی شود.

سردار سید تیمور حسینی گفته بود؛ یکی از مشکلات جدی پلیس راهور، امکان دستکاری اعداد فارسی روی پلاک ها است. به عنوان مثال، عدد ۲ به راحتی قابل تغییر به ۳ یا یک است، یا می توان برخی اعداد را با چسب یا رنگ دستکاری کرد. همین موضوع باعث می شود برخی جرایم رانندگی به اشتباه ثبت یا دچار خطا شوند. این در حالی است که در استاندارد جهانی، پلاک ها با اعداد لاتین صادر می شود و این اعداد به هیچ عنوان قابلیت تغییر و جعل ندارد.

با همین استدلال رئیس پلیس راهور اعلام کرد این نهاد در حال تدوین یک طرح جامع برای تحول در نظام شماره گذاری کشور است. یکی از پیش بینی ها در این طرح، تغییر شیوه درج اعداد پلاک ها مطابق با استانداردهای جهانی است.

البته وی تأکید کرده که این موضوع صرفاً یک پیشنهاد از سوی پلیس است و تصویب و تأیید آن نیازمند نظر دستگاه های مرتبط و دولت خواهد بود.

### واکنش های تند به یک طرح

این موضوع اما از زمان طرح، با نقدهای زیادی همراه بود. به عنوان مثال گروهی معتقدند که در جایی که این همه مشکلات در حوزه رانندگی و ترافیک و کیفیت خودروها وجود دارد، اجرای چنین طرحی چه توجیهی می تواند داشته باشد؟ گروهی دیگر نیز معتقد هستند که راهنمایی و رانندگی به دنبال کسب در آمد ناشی از تعویض پلاک میلیون ها خودرویی است که در کشور وجود دارد. در عین حال گروهی دیگر هم مدعی اند که چنین اقداماتی می تواند باعث لطمه خوردن به هویت ملی ما شود.

موجی که در نهایت باعث شد تا سردار تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا به آنها واکنش نشان دهد و بگوید: من در صحبت هایی که پیش تر در رابطه با لاتین شدن پلاک خودروها داشتم، تنها یک اظهار نظر کارشناسی داشتم و تأکید کردم که یکی از دلایل خطا در جریمه های رانندگی این است که سامانه ها از اساس تولید و ساخته شدند برای خوانش ارقام لاتین؛ البته که برای خواندن اعداد فارسی هم مشکلی نیست اما برخی اوقات خطاها به این دلیل می تواند باشد.

سردار حسینی در نهایت برای اینکه قائله را ختم کند در نهایت گفته بود؛ سخنان من صرفاً ناظر بر یک موضوع فنی بود و هیچ گونه طرحی از سوی پلیس برای لاتین شدن پلاک ها وجود ندارد.

### لاتین نویسی، پدیده ای جهانی

با این حال همچنان موج اظهار نظرها در این زمینه ادامه دارد به طوری که پای حقوقدان ها را نیز به این ماجرا باز کرده است.

زکریا اسدی نعمتی استاد دانشگاه و حقوقدان در خصوص تغییر خط پلاک وسایل نقلیه به لاتین و مباحث حقوقی آن می گوید: قوانین باید براساس شرایط زمانه تفسیر شوند؛ بنابراین تغییر یا تفسیر ماده ۱۵ قانون اساسی – که تأکید دارد رسم الخط ما فارسی است– در موضوع خط پلاک ها نه خارج از قانون و نه وی در خصوص موضوع لاتین نویسی پلاک خودروها بر مبنای موضوع ماده ۱۵ قانون اساسی می گوید: تجربه بسیاری از کشورها نشان می دهد که این موضوع در سطح جهانی مسبوق به سابقه است. به عنوان نمونه، در روسیه با وجود حساسیت بالا نسبت به زبان و خط ملی، پلاک ها به صورت لاتین هستند. حتی مناقشات اخیر روسیه با گرجستان و اوکراین با محوریت روس زبانان، نشان دهنده اهمیت زبان رسمی در سیاست های کلان آن کشور است اما این مسئله مانع لاتین بودن پلاک ها نشده است. همچنین در چین با وجود اینکه زبان چینی پرشمار ترین متکلمان جهان را دارد، پلاک ها در بسیاری از شهرها به صورت لاتین یا تلفیقی با خط بومی نوشته می شوند. در عربستان سعودی نیز پلاک خودروها هم به زبان عربی و هم به زبان لاتین درج می شود.

به گفته این حقوقدان، در کشور ما نیز اگر تغییر خط پلاک ها از مسیر علمی و کارشناسی و با رویکرد امنیتی، ایمنی و اجتماعی بررسی شود، مانعی از حیث حقوقی برای اجرای آن وجود ندارد. نباید اجازه داد نگاه های سیاسی یا سلیقه ای در این زمینه غلبه پیدا کنند.

اسدی نعمتی، درباره موضوع تغییر یا تفسیر ماده ۱۵ قانون اساسی و بحث پلاک خودروها اظهار کرد: هر زمان که منافع ملی و مصالح عمومی اقتضا کند، اگر لازم باشد قانونی تغییر کند یا تفسیری دوباره از آن ارائه شود، این موضوع نه تنها ایرادی ندارد بلکه به نفع جامعه خواهد بود.

### راهکاری تجربه شده

وی اما راهکاری می برای برون رفت از این بن بست ارائه می دهد و می گوید: یکی از راهکارهای عملی این است که به سمت مدل تلفیقی برویم؛ یعنی پلاک ها هم فارسی باشند و هم لاتین. این مدل در برخی کشورها اجرا شده و در عین حفظ خط و زبان رسمی، امکان استفاده از سیستم های جدید و پیشرفته نیز فراهم شده است. حتی می توان طراحی را به گونه ای انجام داد که بخش فارسی و لاتین در کنار هم یا به صورت ترکیبی بیایند. هرچند ممکن است در نگاه اول کمی شلوغ به نظر برسد، اما از نظر حقوقی و اجرایی قابل دفاع است. در برخی کشورها همچون چین، پلاک ها به گونه ای طراحی شده اند که نام استان به زبان بومی درج می شود اما در کنار آن از خط لاتین و پرچم ملی نیز استفاده شده و این موضوع هیچ تعارضی با قانون اساسی آن کشورها نداشته است.

این حقوقدان خاطر نشان می کند که تجربه کشورهایی که دارای چند زبان رسمی هستند حکایت از آن دارد که با سیاست گذاری دقیق می توان بدون خدشه به هویت ملی، تغییرات مورد نیاز را اعمال کرد؛ به شرط آنکه این تغییرات با ضوابط کارشناسی و حقوقی همراه باشد.

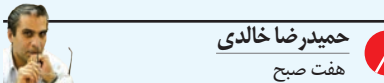
به اعتقاد وی، در موضوعاتی مانند راهنمایی و رانندگی، کسانی که مسائل را مطرح می کنند، دغدغه شان امنیت جامعه است و نه مخالفت با ماده ۱۵ قانون اساسی.

### گزارش

### بررسی طرح «میزبان» بهزیستی برای فرزندخواندگی آسان تر

## ۱۰۰۰ کودک در دامن خانواده ها

در طرح میزبان، کودک تا زمانی که شرایطش برای بازگشت به زیستی یا پذیرفته شدن به فرزندخواندگی مهیا شود در یک خانواده، مهمان می شود و حتی همان خانواده می تواند متقاضی فرزندخواندگی دائم باشد



حمیدرضا خالدي  
هفت صبح

برای بچه دار شدن به هر دری زده بودند اما جوابی نگرفته بودند. دلشان زده بود برای اینکه کودکی ناز و زیبا را در آغوش بگیرند. کودکی که بابا و مامان صدای شان کند. خدا ولی بالاخره صدای شان را شنید. بعد از ۳-۴ سال دودین در ادارات و بخش های مختلف بهزیستی و از سر گذاردن فیلترهای مختلف، خدا «ها» را مهمان خانه شان کرد تا کانون خانواده شان گرم شود. با این حال باید آنها را خوش شانس دانست چراکه در نهایت موفق شده اند از خان های پر دست انداز قوانین بهزیستی گذر کنند و فرزندی را به فرزندخواندگی بگیرند.

با این حال بهزیستی مدعی است که طی چند سال اخیر تلاش کرده تا شرایط واگذاری کودکان بی سرپرست را به خانواده ها آسان کند. با راهکارهایی مانند سرپرستی موقت یا موافقت با اینکه دختران مجرد هم قادر به پذیرفتن فرزند هستند.

### خانم های مجرد، یک قدم به جلو

به نظر می رسد در این مورد خانم های مجرد بسیار خوش شانس تر از آقایان بوده اند. از سال ۱۳۹۲ مصوب شد که خانم های مجرد نیز می توانند برای فرزندپذیری اقدام کنند. دو آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و دستورالعمل های اجرایی آن در سال ۱۳۹۷ به کشور ابلاغ گردید. با این حال، این اقدام، اتفاق تازه ای در کشور به شمار می رفت و حتی نسبت به کشورهای همسایه نیز جدید و البته آزموده هم نشده بود.

البته در اینجا نکته ظریفی وجود دارد. اینکه بهزیستی دخترانی با سن پایین تر را برای سرپرستی به خانم های مجرد می سپارد، نه نوزادی را که در ابتدای زندگی هستند و نیاز پررنگ به پدر و مادر دارند. گرچه سال گذشته سعید بابایی، مدیر کل وقت دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور در این مورد گفته بود: برخی دختران مان

#### نقل و انتقالات

**جلب رضایت باشگاه لهستانی علی قلی زاده با ۵۰۰ هزار دلار ۱۹!**

## اولین خرید زمستانی پرسپولیس مشخص شد

فصل چهار بازی انجام داده که تنها در یکی از آنها به عنوان بازیکن اصلی بوده است.

قلی زاده در نقل و انتقالات زمستانی در حالی قرار است به تمرینات گروهی بازگردد که هنوز باشگاه پرسپولیس را خواهان خود می‌بیند.

این هافبک شناخته شده ایرانی در تازه‌ترین مصاحبه خودش گفته است: «اگر شرایط مهیا شود و باشگاه لخ پوزنان راضی به جدایی من شود علاقه دارم نیمه فصل به ایران برگردم.»

قلی زاده پیش از این از علاقه‌اش به بازی در تیم پرسپولیس صحبت کرده بود.

پیگیری‌ها نشان می‌دهد رضا درویش که به خاطر نقل و انتقالات توفانی باشگاه استقلال به شدت از سوی هواداران پرسپولیس تحت فشار قرار گرفته، مذاکراتی با رابط‌های باشگاه لخ پوزنان آغاز کرده است.

رضا درویش که ثابت کرده استاد تغییر شرایط به نفع خودش و حفظ میز و صندلی مدیرعاملی پرسپولیس است حالا برای نیم فصل نقشه خرید علی قلی زاده را کشیده است اما شنیدیم پیشنهاد اولیه او به لهستانی‌ها ۵۰۰ هزار دلار بوده است!

قرارداد علی قلی زاده با لخ پوزنان در پایان فصل جاری و در سال ۲۶ ۲۰ به پایان رسیده و او می‌تواند پس از آن آزادانه به پرسپولیس یا تیمی دیگر برود. بنابراین به سود لخ پوزنان است که نیم فصل و در زمستان هافبک ایرانی خود را به فروش برساند اما با ۵۰۰ هزار دلار؟ کمی بعید به نظر می‌رسد!



قرار داد و سقف بودجه مالی بود و نتوانستیم آنها را جذب کنیم.»
آنچه به نظر می‌رسد این است که از میان رضا درویش و وحید هاشمیان، یکی تا پایان فصل در پرسپولیس خواهد ماند و دیگری در میانه راه باید این تیم را ترک کند!



**دستگیری عامل جنایت قبل از فرار از کشور**

## راز جنایت در سینه برادر مقتول

آگاهی پایتخت گفت: برادرم با قاتل کری خوانی داشت و یک هفته قبل در درگیری با قاتل او را کتک زده بود. همین مسئله باعث شده بود که قاتل کینه برادرم را به دل بگیرد. شب حادثه برای انجام کاری بیرون رفتم و ساعت حدود ۳ شب بود که به سمت خانه برگشتم. در نزدیکی خانه بودم که قاتل را هراسان و قمه به‌دست دیدم که از خانه‌مان خارج شد. خودم را به آنجا رساندم و با جسد برادرم مواجه شدم.»
در ادامه تحقیقات کارآگاهان جنایی به سراغ عامل جنایت رفته اما او متواری شده بود. تحقیقات برای دستگیری او ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی رد او را در یکی از شهرهای مرزی شمال غرب کشور زدند. بدین ترتیب پس از هماهنگی‌های قضایی آنها راهی شهر مرزی شده و متهم را قبل از آنکه موفق به فرار شود در نقطه صفر مرزی دستگیر کردند. بررسی‌ها در این رابطه ادامه دارد.

عامل قتل مرد جوانی که ۶ ماه بعد از آزادی از زندان به قتل رسیده بود، هنگامی که قصد داشت قاچاقی از کشور خارج شود در نقطه صفر مرزی بازداشت شد.

رسیدگی به این پرونده از اواسط مهر امسال و با گزارش قتل مرد جوانی در منطقه نعمت‌آباد آغاز شد. به‌دنبال گزارش این جنایت، بلافاصله تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شده و با جسد مردی ۳۰ ساله در حالی که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود مواجه شدند. در تحقیقات اولیه و بااستعلام هویت مقتول مشخص شد او ۱۰ سال و ۶ ماه قبل در درگیری دست به جنایت می‌زند و به اتهام معاونت در قتل بازداشت می‌شود.

او در نهایت موفق شده بود از اوایلای دم رضایت بگیرد و بعد از ۱۰ سال حبس از زندان آزاد شد. ۶ ماه از آزادی مرد جوان گذشته بود که او در درگیری خیابانی به قتل رسید.

در ادامه تحقیقات برادر مقتول به کارآگاهسان اداره دهم پلیس

## درگیری مالی خونین در امین آباد

وی افزود با فوت این جوان پرونده قتل در کلانتری تشکیل و در دستور کار ماموران فرماندهی انتظامی شهرستان ری قرار گرفت و ماموران کلانتری ۱۷۳ امین آباد بلافاصله وارد عمل شده و در یک اقدام ضربتی و اطلاعاتی متهم را شناسایی و در کمتر از ۲۴ ساعت پس از وقوع حادثه در مخفیگاهش دستگیر و به کلانتری انتقال دادند. فرمانده انتظامی شهرستان ری عنوان کرد متهم در تحقیقات انجام شده به جرم خود مبنی بر ضرب و جرح منجر به قتل اعتراف کرد و علت این درگیری را اختلاف مالی عنوان داشت. سرهنگ مافی در پایان‌گفت: با اعتراف قاتل پرونده تکمیل و برای رسیدگی بیشتر به اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد و این در حالی است که قاتل و مقتول هر دو تبعه خارجی بودند.

## از قتل بر سر حقاب‌ه در لرستان تا تسلیم در تهران

آشنایان دعوا به پایان می‌رسید. تا اینکه روز حادثه متوجه شدم که آنها با خانواده‌ام دعواایشان شده است، من هم عصبانی شدم و چاقویی از خانه برداشتم. قدمم کشتن مقتول نبود فقط می‌خواستم او را بترسانم. بعد از جنایت هم فرار کردم و بعد از مدتی راهی تهران شدم. از آنجایی که عذاب وجدان رها می‌نمی‌کرد تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم. با اعتراف متهم جوان به جنایت به دستور بازپرس جنایی با قرار عدم صلاحیت پرونده برای رسیدگی به لرستان از جاع شد.

تحقیقات پلیسی مشخص شد سروش از لرستان خارج شده است. اما مشخص نبود که مرد جوان به کجا فرار کرده باشد. در حالی که تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه سروش ادامه داشت، شامگاه جمعه ۱۸ مهر، مرد جوانی به کلانتری تهران نورفت و مدعی شد که قاتل است. او زمانی که مقابل افسر کنشیک کلانتری قرار گرفت گفت: در یکی از شهرستان‌های لرستان زندگی می‌کنم و خانواده‌ام با خانواده مقتول بر سر آب کشاوری

اختلاف داشتند. چندباری باهم دعوایمان شده بود اما هر بار با وساطت همسایه‌ها و عامل جنایت از محل متواری شده بود و در



#### خبر ویژه

## بحران در نیمکت سرخ‌ها

**جلسه خصوصی درویش با بانک شهر درباره پرسپولیس**

ز رنگ‌ترین مدیرعامل باشگاهی حال حاضر فوتبال کشورمان رضا درویش است به گزارش هفت صبح ورزشی، شنیده‌ها حکایت از آن دارد که رضا درویش با یک جلسه خصوصی همراه مدیران بانک شهر چند نشان را زده است. اول آن که وحید هاشمیان حامی سابق خود را آچمز کرده است. دوم اما مدیران بانک شهر را با خود همراه کرده تاخیال بر کناری او از پرسپولیس را از سر به در کنند.

و بالاخره اینکه کارت‌های روی میز بازی رقیبان را با مطرح کردن اسامی گزینه‌های جانشینی عجیب و غریب (از سوی رسانه‌های همسو و مجازی) به هم ریخته است!

ظاهرا رضا درویش که به خوبی یاد گرفته است بدون وزیر شطرنج بازی کند، در جلسه مورد نظر به مدیران بانک شهر گفته است «وحید هاشمیان بازیکنی برای خرید معرفی نکرده است!»

این جمله دوپهلو انتلاف جدید ضد وحید هاشمیان را به وجود آورده تا سرمربی پرسپولیس

**پیشنهاد فر شاد پیوس به امیر قلعه‌نویی برای استفاده از زوج مهدی طارمی**

**و علی علیپور در ترکیب هجومی تیم ملی**

# نسخه تهاجمی برای تیم ملی

تیم ملی هم اگر با دو مهاجم بازی کند قطعاً هجومی‌تر و گلزن‌تر شده و منتقدان را از خود دور و دل فوتبالدوستان ایرانی را شادتر خواهد کرد. البته این نظر و پیشنهاد من است و به هر حال تصمیم گیرنده اصلی سرمربی تیم ملی است.

تیم ملی فوتبال کشورمان جمعه شب گذشته و در دیداری تدارکاتی در ورزشگاه ولگوگراد به مصاف تیم ملی روسیه رفت و با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد. در این مسابقه دمیتری وروبیوف (۲۲) و الکسی باتراکوف (۷۰) برای روسیه و امیر حسین حسین‌زاده (۴۸) برای ایران موفق به گلزنی شدند.

در همین ارتباط فر شاد پیوس ستاره اسبق تیم ملی ایران به هفت صبح ورزشی گفت: بازی خوب و جاندار بود. هر چند روسیه مدتی است از حضور در تورنمنت‌های رسمی و بین‌المللی محروم شده اما نشان داد تیم خوبی است و می‌تواند دوباره در فوتبال اروپا عرض اندام کند.

او ادامه داد: تیم ملی ایران هم نمایش نسبتاً خوبی در این دیدار داشت ولی به اعتقاد من اگر مثل شروع نیمه دوم هجومی بازی کرده و بعد از زدن گل تساوی عقب نمی‌کشیدیم شاید می‌توانستیم برنده از زمین خارج شویم ضمن آن که برخی بازیکنان نااماده نشان دادند.

کاپیتان اسبق تیم ملی ضمن اشاره به نمایش ضعیف علیرضا جهانبخش یادآور شد: علیرضا جهانبخش یک فوتبالیست حرفه‌ای است که از ۲۰ سالگی در اروپا بازی می‌کند؛ منتهای مراتب برای من هم جای سوال است که چرا چنین بازیکنی با چنان سابقه‌ای الان بدون تیم مانده و به تیم ملی دعوت می‌شود؟

او افزود: علیرضا جهانبخش دو خطای شدید انجام داد که اگر VAR بود قطعاً اخراج می‌شد. چرا؟ به نظر من علیرضا جهانبخش ناآماده بود و همین ناآمادگی و بدون تیم ماندن روی روان و اعصابش تاثیر گذاشته است. دعوت نشدن علیرضا جهانبخش در این مقطع بیشتر به سودش است تا دعوت کردن او که اصلاً شباهتی به کاپیتان تیم ملی ندارد. من سال‌هاست جهانبخش را می‌شناسم و می‌دانم فوتبالیست اخلاق مداری است و اصلاً آن خطا و زخمی کردن بازیکن روسیه در شان او نیست.

فرشاد پیوس در پایان پیشنهادی هم به سرمربی تیم ملی داد و گفت: امیر قلعه‌نویی بچه محل قدیمی من است و خودش هم می‌داند چقدر به او ارادت دارم. من به عنوان یک دوست و بچه محل از امیر می‌خواهم در مسابقات ملی از دو فروارد همزمان استفاده کند. الان که سردار آزمون متأسفانه مصدوم شده و چند ماه دور از میادین رسمی است چه اشکالی دارد از زوج آشنای طارمی و علیپور استفاده کرد؟ این دو در پرسپولیس خطرناک‌ترین زوج لیگ برتر را تشکیل داده بودند و حالا هم می‌توانند به تیم ملی کمک کنند.

#### حوادث

**درگیری محلی منجر به قتل هومان شد؛ متهم دوم متواری است و تلاش‌ها برای یافتن او و رسیدگی قضایی ادامه دارد**

# خلق جنایت باکادوی تولد



**فاطمه شیخ‌علیزاده**

دبیر حوادث

مرد ماه سال ۱۴۰۲ پسر جوانی به نام هومان که در اثر اصابت و ایراد جراحات به شاهرگ گردنش به شدت مجروح شده بود به یکی از بیمارستان‌های شرق تهران منتقل شد اما ساعتی بعد به دلیل شوک ناشی از خونریزی جان خود را از دست داد.

به این ترتیب رسیدگی به موضوع وارد فاز جنایی شد و در تحقیقات ابتدایی مشخص شد که هومان ساعتی قبل از انتقال به بیمارستان با دو نفر از بچه محل‌های خود در خیابان کرمان درگیر شده و در این درگیری مورد اصابت ضربات مرم‌گبار قرار گرفته است.

دو مظنون پرونده به نام‌های سهیل و فرید تحت تعقیب قرار گرفتند اما هر دو آنها به‌سهمی نامعلوم گریخته بودند. همچنین تحقیقات نشان می‌داد که شرکت کنندگان درگیری از مدتی قبل در محل با یکدیگر بر سر قدرت‌نمایی کل کل داشتند و هر کدام می‌خواستند به دیگری ثابت کنند که قدرت اول محل در دستان آنهاست تا اینکه شب حادثه کار به بالاگرفتن خشم رسید و منجر به جنایت شد. تلاش کارآگاهان پلیس برای پیدا کردن ردی از عاملان جنایت ادامه داشت تا اینکه حدود چهل روز بعد از وقوع جنایت سهیل با پای خود به پلیس آگاهی مراجعه کرد و به ارتکاب قتل اعتراف کرد. متهم اظهار داشت که بعد از جنایت به کشور ترکیه گریخته بود اما در نهایت تصمیم گرفت تسلیم قانون شود.

تحقیقات در این پرونده تکمیل شده و باقرار صریح متهم به قتل و بازسازی صحنه جرم پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. محاکمه در حالی انجام شد که فرید همچنان متواری است و وکیل او در دادگاه حاضر شد.

#### در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی پدر و خواهر هومان به‌عنوان اولیای دم تقاضای قصاص متهم و در یافت دیه به‌صدمات غیرمنتهی به فوت را مطرح کردند. سپس خواهر هومان گفت: «در ابتدا پدر و مادرم اولیای دم هومان بودند اما بعد از مرگ ناگهانی و هولناک برادرم، مادرم از شدت غم سکنه کرد و حالا من به‌عنوان ورثه او ولی دم برادرم هستم. من به‌هیچ عنوان از قصاص قاتل گذشت نمی‌کنم به دلیل اینکه او نه تنها برادرم را به طرز فجیعی کشت بلکه مادرم را هم در جریان این غصه از ما گرفت.»

سپس متهم پشت‌تربیین قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: «شب حادثه به پارک گلبرگ در محله‌مان رفته

